

آفتاب علم

نویسنده: جلالی دهکردی

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام
بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده
است.

قال علیؑ :

«هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلِيَّ حَقِيقَةَ الْبَصِيرَةِ وَبَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ وَاسْتَلَانُوا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتَرْفُونَ وَانْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ»⁽¹⁾

«علمی که بر پایه بینش کامل است بر قلب های آنان هجوم آورده است ، روح یقین را لمس کرده اند ، آنچه بر اهل تنعم سخت و دشوار است بر آنان نرم گشته است ، و با آن چیزی که جاهلان از آن در وحشتند انس گرفته اند .»
صحیفه ای که پیش روی دارید شرح حال عالم عامل و فقیه کامل و فیلسوف عارف و مفسر قرآن مجید و مُتَبِّع در اخبار اهل بیت و طهارت علیه السلام ، مرحوم حضرت آیه الله العظمی سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی رحمته الله می باشد .

در این نوشتار کوشیده ایم که برگی چند از زندگانی علمی و سلوک عملی پُر بار این فقیه فرزانه را ورق زده و از حیات طیبیه و نورانیه الهیه وی که حاصل هفتاد سال تحصیل و تدریس و تحقیق در علوم آل محمد علیهم السلام و تزکیه و تهذیب نفس و دست گیری از ایتم آل محمد علیهم السلام است ، خاطره ای در دل زنده کنیم ، که حضرت ختمی مرتبت فرمودند : «عِنْدَ ذِكْرِ الصَّالِحِينَ تُنْزَلُ الرَّحْمَةُ»؛ باشد که چراغی برای سلوک راهیان کوی دوست باشد .

مرحوم آیه الله العظمی سید ابوالقاسم دهکردی رحمته الله ،

عالمی است جامع معقول و منقول و محصل حوزه علمیه نجف و اصفهان ، و از شاگردان مُبرَز بزرگانی چون میرزای شیرازی ، میرزا حبیب الله رشتی ، آخوند خراسانی ، میرزا ابوالمعالی کلباسی ، آیه الحق ملا فتح علی سلطان آبادی ، و حکیم ملا اسماعیل درب کوشکی اصفهانی رحمته الله .

ایشان علاوه بر تصدی کرسی تدریس ، و اشتغال به مباحث علمی ، از وعظ و خطابه عامه مردم و اقامه جماعت و حلّ و فصل امور مسلمین غافل نمانده است . حاصل تلاش علمی و عملی این عالم ربّانی ، علاوه بر ملکات نفسانی و مقامات عرفانی ، بیش از 20 اثر ارزنده در معارف مختلف اسلامی و تربیت شاگردانی همچون حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی ، صاحب مکیال المکارم ، و بانوی مجتهده ایرانی است .

آیه الله العظمی دهکردی از مشایخ اجازه روایت جمعی از فقها و بزرگان همچون : آیه الله العظمی بروجردی ، امام خمینی ، و آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمتهما الله می باشد .

امید است با این نوشته که ان شاء الله هم زمان با برگزاری کنگره بزرگداشت این عالم ربّانی انتشار می یابد جامعه فرهنگی و دوستداران علم و دانش و حوزه های علمیه از الگوهای علم و عمل بهره وافی و کافی بگیرند .

در پایان شایسته است از مشوقین و ترغیب کنندگان به وجود آمدن این اثر ، حضرت آیه الله سبحانی دام ظلّه و حجه الاسلام والمسلمین آقای رضا مختاری ، و از مسؤولین محترم مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم و اصفهان که زحماتی را در جهت چاپ و نشر آثار ایشان کشیده اند نهایت تقدیر و تشکر بنمایم .

79/4/2 قم المقدسه

مجید جلالی دهکردی

1 نهج البلاغه فیض الاسلام ، حکمت 139

فصل اول

ولادت

تولد ایشان بنا بر نوشته خودشان از این قرار است :

«تاریخ تولد حقیر که مرحوم خلد مقام والد ، السید الجلیل النبیل به خط مبارک نوشته : تاریخ تولد نورچشمی از عمر و جان برخوردار سید ابوالقاسم ، بین الطلوعین نیم ساعت تخمیناً به طلوع آفتاب روز شنبه غره (اول) شهر رجب سنه 1272 هجری قمری در قصبه دهکرد⁽²⁾ بوده است .»⁽³⁾

پدر و مادر

پدر ایشان عالم ربّانی آیه الله سید محمد باقر دهکردی از علمای عالی رتبه عصر خود بوده و در خدمت حاج ملا محمد ابراهیم کلباسی⁽⁴⁾ مدت پانزده سال شاگردی کرده و در منزل ایشان سکونت نمود و تربیت و تعلیم فرزندان حاجی را به عهده گرفت ، از جمله میرزا ابوالعالی کلباسی رحمته الله علیه⁽⁵⁾ (1247-1315 ه . ق . که تحصیلات مقدماتی خود را نزد سید محمدباقر فرا گرفت .

بعد از ازدواج سید محمد باقر با صبیّه آخوند ملا محمد ابراهیم دهکردی (جدّ اعلای نگارنده) طبق تقاضای اهالی شهر کرد ، ایشان به آن شهر بازگشت و سال ها در ترویج اسلام و نشر احکام نورانی قرآن سعی نمود . محمدرضا خان چالستری ، حاکم وقت چهارمحال ، مسجدی عالی ، به نام خان ساخت و امامت آن را به آیه الله سید محمد باقر دهکردی واگذار کرد . این مسجد ، اکنون به نام مسجد جامع شهرکرد در مرکز شهر معروف است . سید محمد باقر دارای پنج پسر عالم و روحانی بود که معروف ترین آنها آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی

می باشند . شرح حال فرزندان دیگر ایشان ان شاء الله در خاندان آیه الله
دهکردی ذکر می گردد . (6)

مادر سید ابوالقاسم ، دختر

عالم ربّانی و فقیه صمدانی آخوند ملاّ محمد ابراهیم دهکردی (جدّ اعلاّی
نگارنده) زنی شایسته ، عفیف ، باسقاوت و اهل تهجد بود . آخوند ملاّ محمد
ابراهیم از شاگردان مُبرز سید حجه الاسلام شفّتی بوده و از او اجازه اجتهاد
داشته است .

ملاّ محمد ابراهیم در اصفهان ساکن و در مسجد محله نُو (بیدآباد) سال ها
امام جماعت بود ، سپس طبق تقاضا و اصرار اهالی شهرکرد ، از طرف حجه
الاسلام علی الاطلاق ، آیه الله العظمی سید محمد باقر شفّتی رحمته الله به سمّت امام
جمعه و جماعت شهرکرد منصوب می شود و سال ها در آن سرزمین به اسلام و
مسلمین خدمت می نماید . شرح حال بیشتر آخوند ملاّ محمد ابراهیم و
فرزندانش در خاندان آیه الله دهکردی ان شاء الله ذکر می گردد .

تحصیل

آیه الله دهکردی در این باره گوید :

«در سنّ یازده سالگی یا دوازده سالگی از مسقط الرأس (زادگاه) خود قصبه
دهکرد چهارمحال آمدم در مدرسه صدر اصفهان که الآن محلّ تدریس حقیر
است . هنگام ظهر روز شنبه دهم ربیع الأول سنه 1284 ق . مشغول به خواندن
نصاب و امثله شدم در خدمت اخوی بزرگ آقا سید محمد جواد که عالم و
مُدرّس و مجاز به اجتهاد بود . بعد از فراغ از مقدمات و سطوح ، مشغول درس
خارج فقه و اصول و حکمت شده و در سنّ بیست و پنج سالگی اساتید ایشان

تصدیق اجتهاد او را نموده اند و لذا ترک تقلید کرده و نمازهای گذشته را قضا نمودند». (7)

اساتید اصفهان

1 عالم ربانی و فقیه صمدانی ، سید محمد جواد دهکردی رحمته الله علیه ، برادر بزرگ سید ابوالقاسم .

وی از علما و مدرسین مدرسه صدر و دارای اجازه اجتهاد از بزرگانی همچون میرزا محمد هاشم چهارسوقی بوده است . (8)

2 عالم ربّانی و اُصولی محقق ، میرزا ابوالمعالی کلباسی رحمته الله علیه (12471315 ه . ق .)

وی چنانچه گذشت فرزند حاجی کلباسی و از شاگردان میر سید حسن مدرس (استاد میرزای شیرازی بزرگ) است . میرزا ابوالمعالی جامع معقول و منقول و از اکابر علما و مجتهدین به شمار می رفته است و در غایت زهد و تقوا می زیسته و صاحب تألیفات بسیار از جمله کتاب بشارات در علم اصول است . جمع کثیری از بزرگان از شاگردان ایشانند که از معروف ترین آنها حضرت آیه الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه می باشد .

وفات ایشان در روز چهارشنبه 27 صفرالمظفر سنه 1315 ه .

ق . در اصفهان واقع شد و در مقبره معروف به تکیه آقامیرزا ابوالمعالی ، در تخت فولاد ، دفن شدند . بعداً دو فرزند ایشان عالمین علمین میرزا جمال الدین ، و میرزا ابوالهدی کلباسی ، صاحب کتاب معروف در رجال به نام «سماء المقال» در جوار ایشان دفن شدند . مردم اصفهان به زیارت قبر ایشان رفته و قرائت چهل مرتبه سوره حمد را برای برآورد شدن حاجت به خصوص ادای قرض ها در مقبره این عالم ربّانی مُجربّ می دانند . (9)

3 حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ محمد باقر
نجفی رحمته الله (1235 1330 ه. ق .)

ایشان فرزند شیخ محمد تقی ، صاحب هدایه المسترشدین در شرح کتاب
معالم الأصول ، است . حاج شیخ محمد باقر از شاگردان صاحب جواهر و شیخ
انصاری و شیخ حسن کاشف الغطاء ، دای خود رحمته الله ، بوده اند . عده ای کثیر از
بزرگان علما و فضلا از محضر او استفاده نموده اند . کتب و رسائل چندی از آن
جمله لبُّ الاصول و لبُّ الفقه از ایشان است .⁽¹⁰⁾

4 حکیم متآله حاج ملا اسماعیل حکیم درب کوشکی اصفهانی (متوفی 1304
ه. ق .)

یکی دیگر از استادان آیه الله دهکردی ، آخوند ملا اسماعیل درب کوشکی
می باشد . وی از أجله حکما و مدرّسین اصفهان بود . از شاگردان معروف ملا
اسماعیل درب کوشکی می توان جهانگیرخان قشقایی و سید ابوالقاسم دهکردی
رحمته الله را ذکر نمود . وفات این حکیم الهی در روز جمعه 15 شوال سال 1304 ه .
ق . بوده و در تخت فولاد رو به روی سکوی اژه ای ها مدفون گردید .⁽¹¹⁾

شایان ذکر است که آیه الله دهکردی چنانچه مرقوم فرموده اند علم حکمت
را غالباً و به خصوص اسفار اربعه آخوند صدر المتألّهین شیرازی رحمته الله را در
مدت چهار سال نزد آن حکیم فرا گرفته اند .⁽¹²⁾

مؤلف تاریخ حکما و عرفا می نویسد :

«از أجله تلامیذ این بزرگوار (ملا اسماعیل درب کوشکی) آقا سید ابوالقاسم
دهکردی بوده است» .⁽¹³⁾

ثبت کتب موقوفه مرحوم جهانگیر خان قشقایی به قلم آیه الله العظمی سید
ابوالقاسم دهکردی رحمته الله

5 فقیه اهل البیت ، آیه الله میرزا محمدحسن نجفی (1237 حدوداً 1317 ه .
ق .)

فرزند آقا محمدعلی نجفی ، فقیه مجاز از میرزای قمی و فاضل نراقی
علیه السلام . میرزا محمد حسن از شاگردان صاحب جواهر و از وی مجاز به اجتهاد
مطلق بود . میرزای شیرازی اعتماد تامی به ایشان داشته ، و ایشان امام جماعت
مسجد ذوالفقار بازار اصفهان بوده اند . (14)

6 عالم ربانی ، ملا محمد باقر فشارکی (متوفی 1314 ه . ق .)

وی یکی از بزرگان قرن سیزدهم و چهاردهم هجری قمری و از شاگردان
سید حسن مدرس ، استاد میرزای شیرازی ، بود و کتاب «عنوان الکلام» از
اوست . منابر آن عالم روحانی بسیار معروف و پرشور بوده . ایشان در تخت
فولاد اصفهان مدفون هستند . (15)

هجرت به عتبات عالیات

ایشان در سال 1301 هجری قمری در سن 29 سالگی ازدواج نموده و در
همان سال به حکم استخاره و اصرار بعضی از اولیاء خدا به عزم عتبه بوسی
حضرت امیرالمؤمنین علیاً و تکمیل تحصیلات ، در حالی که در سن 25 سالگی
مجتهد مسلم هم بوده اند چنانچه ذکر شد عازم زیارت ائمه عراق می شوند و
مدتی در بلده طیبه سامرا اقامت گزیده و پس از آن ، به اشاره عالم ربانی ، ملا
فتح علی سلطان آبادی علیهم السلام ، و به حکم استخاره به عزم اقامت در نجف از
سامرا خارج شده و در بین راه به زیارت خامس آل عبا اباعبدالله
الحسین علیاً در کربلای معلی ، مشرف می شوند . آیه الله دهکردی در باره این
سفر نورانی می نویسد :

«و شاهدتُ في حرم مولينا أبي الفضل العباس عليه السلام و في غيره ما شاهدتُ ممّا يدلُّ على أن طينتي من فاضل طينتهم» .⁽¹⁶⁾

اساتید ایشان در سامرا و نجف اشرف

الف سامرا

1 حضرت آیه الله العظمی میرزا محمد حسن شیرازی (1230-1312 ه. ق .) ، صاحب حکم معروف تحریم تنباکو .

وی از شاگردان شیخ محمد تقی نجفی و سید حسن مدرس در اصفهان بوده و از اعظام و بزرگان تلامذه شیخ مرتضی انصاری در نجف اشرف محسوب می گردد .⁽¹⁷⁾

2 عالم ربانی و عارف صمدانی ، ملا فتح علی سلطان آبادی (متوفی 1318 ه. ق .)

ایشان از شاگردان و ملازمین میرزای شیرازی و صاحب کرامات و مقامات معنوی و در تفسیر قرآن کریم استاد مسلم بوده است . در این رابطه حضرت آیه الله العظمی حکیم علیه السلام ، در «حقایق الأصول» ، ضمن بحث در بطون قرآن می فرمایند :

«بعضی از أعظام دام تأییده برای من نقل کرد که روزی حاضر شدم در منزل آخوند ملا فتح علی علیه السلام با جماعتی از اعیان از آن جمله سید اسماعیل صدر و حاجی نوری و سید حسن صدر علیه السلام ، آخوند این آیه شریفه را تلاوت نمودند :

(وَ اعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ) ⁽¹⁸⁾ سپس شروع نمودند در تفسیر قوله تعالی (حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ) و تا سی روز هر روزی یک تفسیر و یک معنا از این آیه شریفه فرمودند که موجب تعجب و شگفتی حاضرین در جلسه شده بود .⁽¹⁹⁾

آیه الله دهکردی در باره ملافتح علی سلطان آبادی می نویسد :

«و بود اکثر استیناس (أنس) حقیر در اقتباس معارف و اسرار توحید با عالم ربّانی حاجی ملافتح علی سلطان آبادی رحمته الله علیه». (20)

3 حاج میرزا حسین نوری صاحب مستدرک الوسائل رحمته الله علیه (12541320 ه . ق .)

حاجی نوری یکی دیگر از اساتید و مشایخ اجازه آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی بوده که سید أنس خاصی با این استاد داشته و در اخذ معارف اسلام از این استاد استفاضه بسیار نموده اند. (21)

حاجی نوری از شاگردان عبدالرحیم بروجردی والد عیال خود و شیخ مرتضی انصاری و میرزای شیرازی رحمته الله علیه می باشد. ایشان دارای تألیفات زیادی هستند، از آن جمله مستدرک الوسائل (در 17 جلد چاپ جدید)؛ نجم الثاقب؛ لؤلؤ و مرجان. (22)

ب نجف

بعد از مدتی که آیه الله دهکردی رحمته الله علیه در سامرا مشغول تحصیل بوده اند به اصرار عالم ربّانی آخوند ملافتح علی سلطان آبادی رحمته الله علیه که به ایشان فرموده بودند: «تو اهل تحصیلی این جا (سامرا) درس قائم به شخص واحد است (مراد میرزای شیرازی بوده) و به جهت کثرت مشاغل و مرجعیّت و ضعف حال، تعطیلات او زیاد است و لذا به نجف برو». (23) سید بزرگوار ما، عازم نجف می شوند؛ که البته در این بین، مدّتی هم در کربلای معلّی اقامت گزیده اند، و از محضر بزرگانی که ذکر می شود استفاده کرده اند:

1 فقیه اهل البیت، شیخ زین العابدین مازندرانی رحمته الله علیه (متوفی 1309 ه . ق .)

ایشان از شاگردان صاحب ضوابط الاصول و صاحب جواهر رحمتهما در نجف اشرف بوده اند و در مازندران در خدمت سعیدالعلما تحصیل نموده ، وی شدید المؤاظبه بر نوافل بوده و کتاب ذخیره المعاد از تألیفات اوست . شیخ زین العابدین مازندرانی متجاوز از صد سال عمر نموده اند و بعد از فوتشان در بُقعه ای که برای ایشان در نزد باب قاضی الحاجات صحن شریف امام حسین علیه السلام معین شده بود دفن گردیدند .⁽²⁴⁾

2 علامه محقق ، میرزا حبیب الله رشتی رحمته (متوفی 1312 ه . ق .) .
وی از اعظم شاگردان شیخ اعظم انصاری رحمته و صاحب تألیفات کثیر ، از جمله کتاب الغصب و کتاب القضاء در فقه و «بدائع الأفكار» در علم اصول می باشد .

آیه الله دهکردی مدت هفت سال در درس فقه و اصول میرزای رشتی حاضر گشته و تقریرات درس ایشان را هم نوشته اند که اینک نیز نسخه خطی آن موجود است و به نام 1 تنقیح الأصول و 2 المتاجر می باشد .⁽²⁵⁾

فقیه دهکردی مشکلات درس محقق رشتی را با آخوند ملا محمد کاظم خراسانی مباحثه و گفتگو می نموده است . وی در این باره می نویسد :

« . . . اگر معاوضه و مباحثه در مسائل داشتم با علامه علما محققین ، جامع المعقول و المنقول ، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی می نمودیم (تفصیلی دارد) . اکثر مسائل فوائد ایشان که ملحق به حاشیه ایشان است با حقیر معاوضه می نمودند و مطالب حقیر را تصدیق می نمودند» .⁽²⁶⁾

3 آخوند ملا محمد کاظم خراسانی رحمته (متوفی 1329 ه . ق .) ، صاحب «کفایه الاصول» .

آخرین استاد نجف آیه الله دهکردی می باشند که معظم له در درس فقه و اصول آخوند خراسانی شرکت می کرده اند . (27)

آخوند خراسانی رحمته الله علیه از اجله تلامذه شیخ انصاری و میرزای شیرازی بوده اند . وی صاحب تألیفاتی است که از معروف ترین آنها «کفایه الاصول» که از کتب درسی سطح عالی حوزه می باشد را می توان نام برد .

مشایخ اجازه اجتهاد و روایت

آیه الله العظمی دهکردی رحمته الله علیه علمایی را که نام شریف آنان در ذیل آمده از مشایخ اجازه خود نام برده اند : (28)

- 1 سید العلماء المتبحرین ، آمیرزا هاشم چهارسوقی .
- 2 شیخ العلماء العالمین ، آمیرزا محمد حسن نجفی .
- 3 قدوه الفقهاء الکاملین ، آخوند ملا محمد باقر فشارکی .
- 4 علامه العلماء المحققین ، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی .
- 5 عالم ربّانی ، حاجی میرزا حسین نوری .
- 6 شیخ الفقهاء و المجتهدین ، زین العابدین مازندرانی .

پی نوشت ها

- 2 دهکرد : همان شهرکرد فعلی است که مرکز استان چهارمحال و بختیاری می باشد و یکی از استانهای هم جوار اصفهان است .
- 3 المسلسلات ، ج 2 ، ص 33 .
- 4 وی عالمی است از فحول علما و متبحرین فقهای امامیه قرن سیزدهم هجرت ، از شاگردان وحید بهبهانی و میرزای قمی و سید مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و سیدعلی صاحب ریاض . ایشان از کثرت احتیاط رساله عملیه هم ننوشته و می گفته که استخوان بدنم طاقت آتش جهنم ندارد ، تا آن که به اصرار میرزای قمی رحمته الله علیه رساله ای نوشت . از تألیفات ایشان است : 1 اشارات الأصول ، در دو جلد بزرگ که چاپ شده . 2 الايقاظات ، نیز در اصول ; 3 شوارع الهدایه

- الی شرح الکفایه ، که در فقه و شرح کفایه محقق سبزواری است؛ 4 منهاج الهدایه الی احکام الشریعه . قبر شریفش در اصفهان نزد مسجدی که به مسجد حکیم معروف است مشهور ، و حوزه درسش نیز در همان مسجد منعقد بود . (ریحانه الأدب ، ج 5 ، صص 4243) . شایان
- ذکر است حاجی در عتبات با آقا سید محمد باقر شفتی آشنا شد و این آشنایی علاقه و دوستی آنها را به سرحد کمال رسانید ، به طوری که این رفاقت حتی در زمان مرجعیت این دو بزرگوار در اصفهان ادامه یافت و به جایی رسید که گفته اند ، این گونه رفاقت و صمیمیت در تاریخ حیات هیچ یک از دانشمندان دیده نشده . (وحید بهیانی ، صص 225 226) .
- 5 محمد بن حاج محمد ابراهیم کلباسی عالمی است فاضل ، متبحر ، دقیق الفکر ، کثیرالتبّع ، محتاط و متقی ، فقیه ، اصولی ، رجالی . تألیفات متنوع بسیاری دارد که حاکی از مراتب علمیه وی می باشد از جمله : 1 الاستخارات؛ 2 الاستشفاء بالتربه الحسینیّه؛ 3 تعارض الاستصحاب و اصله الصّحّه؛ 4 تعارض الاستصحابین؛ 5 تعارض الید و الاستصحاب . . . ابوالمعالی کرباسی ، آخرین فرزند حاجی کرباسی رحمته و داماد فرزند سید حجه الاسلام شفتی رحمته می باشد بعد از فراغ از مقدّمات عمده تحصیل ایشان نزد دو نفر می باشد : 1 سید محمد بن عبدالصمد شهشهانی (م . 1289 ه . ق .) صاحب انوار الریاض علی الشرح الکبیر؛ 2 و میر سید حسن بن سید علی مدرس . (ریحانه الأدب ، ج 7 ، ص 269؛ مقدمه الاستشفاء بالتربه الحسینیّه ، ص 19) .
- 6 برای اطلاع از شرح حال آیه الله سید محمد باقر دهکردی رجوع شود به : شناخت سرزمین چهارمحال ، ج 2 ، ص 12؛ المسلسلات ، ج 2 ، ص 34 .
- 7 زندگانی آیه الله چهارسوقی ، ص 191 .
- 8 المسلسلات ، ج 2 ، ص 33؛ تذکره القبور ، ص 244 . شرح حال وی و دو فرزندش در ذیل عنوان «خاندان آیه الله دهکردی» خواهد آمد .
- 9 رجوع شود به : ریحانه الأدب ، ج 7 ، ص 269؛ تذکره القبور یا دانشمندان اصفهان ، ص 105؛ مقدمه الاستشفاء بالتربه الحسینیّه ، از تألیفات میرزا ابوالمعالی کلباسی ، ص 19 .
- 10 فوائد الرضویه ، ص 409؛ تذکره القبور ، ص 160 .
- 11 تذکره القبور ، ص 135؛ زندگانی جهانگیرخان قشقایی ، صص 52 53 .
- 12 زندگانی آیه الله چهارسوقی ، ص 193 .
- 13 تاریخ حکما و عرفا ، ص 37 .
- 14 المسلسلات ، ج 2 ، ص 35 .

15 فوائد الرضويه ، ص 404 .

16 و مشاهده کردم در حرم مولای ما ابوالفضل العباس عليه السلام و در غیر حرم آن حضرت ، چیزهایی را که دلالت می کرد که خاک خلقت من از زیادی خاک آن بزرگواران است . این کلام ایشان اشاره است به حدیث معروف : شِيعَتُنَا مِنَّا ، خُلِقُوا مِنْ فَاضِلِ طِينَتِنَا . . . (زندگانی آیه الله چهارسوقی ، ص 193) .

17 الكُنَى والألقاب ، محدث قمی ، ج 3 ، ص 226 . 18 حجرات / 7 . 19 حقائق الأصول ، ج 1 ، ص 95 . برای شرح حال بیشتر این عارف الهی رجوع شود به دارالسلام ، حاجی نوری و تاریخ حکماء و عرفاء ، صص 142 147 . 20 زندگانی آیه الله چهارسوقی

، ص 193 . 21 همان . 22 فوائد الرضويه ، ص 149 . 23 المسلسلات ، ج 2 ، ص 35 . 24 فوائد الرضويه ، ص 196 . 25 المسلسلات ، ج 2 ، ص 35 . 26 المسلسلات ، ج 2 ، ص 35 . 27 زندگانی آیه الله چهارسوقی ، ص 193 . 28 المسلسلات ، ج 2 ، صص 2831 .

فصل دوم

بازگشت به اصفهان

آیه الله دهکردی پس از هفت سال اقامت در نجف اشرف و استفاده های علمی و معنوی از اساتید آن دیار ، در حدود سال 1309 هجری قمری به اصفهان برگشتند . و این درحالی بود که ایشان مدّت 25 سال مشغول تحصیل علم بودند ، زیرا گفتیم که معظّم له در سال 1284 قمری وارد حوزه علمیه اصفهان شدند و از اساتید و بزرگان این حوزه مدت هفده سال استفاده های علمی و معنوی نمودند . اساتید ایشان در سن 25 سالگی اجتهاد مطلق ایشان را تأیید نمودند ، ولی در سنّ 29 سالگی و در سال 1301 هجری قمری چنانچه گذشت به حکم استخاره و اصرار بعضی از اولیای خدا عازم زیارت ائمه عراق شدند . چنان که نقل نمودیم مدتی حدود یکی دو سال در سامرا از اساتیدی چون میرزای بزرگ شیرازی ، ملاّ فتح علی سلطان آبادی و محدّث نوری کسب علم و معرفت نموده سپس عازم کربلا شدند و در آن جا اقامت مختصری داشتند و بعد از کربلا ، عازم نجف اشرف شدند . در این مدّت که هفت سال طول کشید از درس فقه و اصول محقق رشتی و آخوند خراسانی رحمتهما علیهما بهره کافی و حظّ وافری می برند . البته در کنار تحصیل علم ، ایشان مشغول تهذیب نفس و عبادت و توسّل به ائمه طاهرین ، مخصوصاً مولا و آقایمان حضرت بقیه الله الأعظم امام زمان عجلّ الله تعالی فرجه الشریف بوده اند چنان که خود می نویسد : «و کُنْتُ شَدِيدَ الْأُنْسِ بِالْمَسْجِدِ السَّهْلَةِ حَتَّى وَرَدَ عَلَيَّ فِيهِ فَيُوضَاتٌ كَثِيرَةٌ» .⁽²⁹⁾

آیه الله دهکردی سرانجام بعد از 25 سال کسب علم و معرفت در رشته های مختلف علوم اسلامی از فقه و اصول و تفسیر و حکمت و حدیث و معارف و اخلاق در سال 1309 هجری قمری در سن 37 سالگی با دستی پر از علوم و معارف قرآن و اسلام به اصفهان برمی گردند و علما و فضلا و اقشار مختلف مردم از نعمت وجود این عالم ربانی و فقیه صمدانی و عارف وارسته کسب علم و معارف قرآن و دستورات اسلام را می نمایند . ایشان در مدرسه صدر بازار اصفهان مشغول به تدریس خارج فقه و اصول می شوند و در ایام تعطیل دروس حوزه ، به تدریس تفسیر و اصول کافی و رجال و درایه می پردازند .⁽³⁰⁾

تدریس ایشان بیش از چهل سال ، یعنی تا سال 1353 هجری قمری که زمان فوت ایشان می باشد ، ادامه داشته و در این مدت طولانی ، عده زیادی از علما و فضلا و روحانیون از محضر این عالم ربانی و فقیه اهل البیت علیهم السلام بهره مند گشته اند .

آیه الله دهکردی رحمته الله علیه خود در این باره می فرماید

«و از اصحاب مباحثه حقیر از برکت امام عصر ارواحنا له الفداء جمع کثیری به درجه علم و تقوا و اجتهاد رسیده و از حقیر مجاز شده و در سایر اصقاع⁽³¹⁾ و بلاد مشغول ترویج شریعت مقدسه و تدریس هستند .»⁽³²⁾

شیخ آغابزرگ تهرانی در «نقباء البشر» می نویسد :

«السید ابوالقاسم الدهکردی ، هو السید ابوالقاسم بن محمد باقر الدهکردی الاصفهانی ، عالم کبیر و خطیب بارع ، کان فی النجف الأشرف من تلامیذ العلامة میرزا حبیب الله الرشتی و غیره ، و بعد تکمیلہ عاد الی اصفهان مشغولا بترویج الدین من التدریس والوعظ والإرشاد و کان یحضر درسه فی مدرسه الصدر یا اصفهان اکثر من ثلاثین فاضلا و یحضر مجلس وعظه و لا سیما فی شهر

رمضان خلقٌ كثيرٌ من العوام والخواص . . و له تصانيف ، منها : منبر الوسيله ،
 المطبوع مجلده الأول ؛ و اللمعات في شرح دعاء سمات ؛ و غيرهما . (33)

آيه الله العظمى سيد ابوالقاسم دهكردى در اصفهان صاحب منصب مرجعيت
 نیز بوده و جمعى از اهالى اصفهان و شهرکرد و بلاد ديگر از ايشان تقليد مى
 نمودند و رساله عمليه ايشان به نام «هدايه الأنام» مکرراً چاپ شده و در
 دسترس مقلدین معظم له قرار گرفت . غير از رساله فارسى ، ايشان حواشى بر
 رساله «نُخبه» حاجى کلباسى و «جامع عباسى» شيخ بهائى عليه السلام نیز دارند .

يکى ديگر از کارهاى گرانبهاى علمى آيه الله دهكردى ، تأليف کتاب هاى
 متعدد (در حدود 24 جلد) در فقه ، اصول ، تفسير ، حديث ، اخلاق و عرفان
 است که در بخش تأليفات از آنها نام مى بريم .

آيه الله دهكردى سال ها امامت جماعت مسجد سُفَره چى (سُرخى) واقع در
 خيابان چهارباغ پايين فعلى و مسجد شيخ الاسلام واقع در خيابان عبدالرزاق
 اصفهان را به عهده داشتند و در بعضى از ايام خصوصاً ايام ماه مبارک رمضان و
 ليالى قدر به ايراد سخنرانى و موعظه و اقامه مراسم احيا اقدام مى نمودند .

شاگردان و صاحبان اجازه روایت و اجتهاد از ایشان

در این بخش ، بعضی از شاگردان و صاحبان اجازه اجتهاد و روایت از آیه الله العظمی دهکردی را برمی شماریم .

1 رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی ایران ، حضرت آیه الله العظمی امام خمینی علیه السلام .

حضرت امام خمینی در اوّل کتاب شریف اربعین حدیث به این امر تصریح نموده و درباره استاد اجازه خود چنین می نویسد :

«أخبرني إجازة مكاتبة و مشافهة عدة من المشايخ العظام و الثقات الكرام . . . و منهم السيّد العالم الثقة الثبت السيد أبو القاسم الدهکردی الاصفهانی عليه السلام عن السيّد السند الأجد الآقاميرزا محمد هاشم الاصفهانی عن العلامة الانصاري»⁽³⁴⁾

2 حضرت آیه الله العظمی بروجردی عليه السلام ، یکی دیگر از مجازین از آیه الله العظمی دهکردی اصفهانی می باشند .

مرحوم سید مصلح الدین مهدوی مشایخ اجازه آیه الله العظمی بروجردی را این چنین نقل کرده است :⁽³⁵⁾

- 1 . مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی .
- 2 . مرحوم حاج میرزا فتح الله شیخ الشریعه اصفهانی .
- 3 . مرحوم آقا شیخ محمد تقی نجفی اصفهانی معروف به آقانجفی .
- 4 . مرحوم آقا سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی .
- 5 . مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی .
- 6 . مرحوم سید علم الهدی نقوی کابلی ملایری ، از خواص اصحاب مرحوم آقا سید مرتضی کشمیری .

اجازه اجتهاد و روایت آیه الله العظمی

سید ابوالقاسم دهکردی رحمته الله علیه به آیه الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه (سال 1320 ه .

ق .)

3 علامه نسّابه حضرت آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمته الله علیه .
آیه الله العظمی مرعشی نجفی طبق فرموده خودشان بارها در اصفهان و قم به
خدمت آیه الله العظمی دهکردی رحمته الله علیه رسیده و از ایشان اجازه روایت مفصّلی
(در حدود ده صفحه) دریافت نموده اند . ایشان درباره استاد اجازه خود می
فرمایند :

«سید الفقهاء الکرام ، حجه الاسلام والمسلمین ، آیه الله ، الحاج السید
أبوالقاسم الحسینی الدهکردی ، أحد مراجع الشیعه بإصفهان صاحب کتاب منبر
الوسیله ، فی السیر والسلوک و الأخلاق» .⁽³⁶⁾

و در جای دیگر می نویسند :

«و مِمَّنْ أروى عنه سید الفقهاء والمتکلمین ، حجه الإسلام ، آیه الله ، الحاج
السید أبوالقاسم الحسینی الدهکردی . . . له مؤلفات کثیره منها : بشارات
السالکین و جنه المأوی و رساله عملیه و غیرها یروى عن عدّه منهم : العلامه
المیرزا حسن الهزار جریبی النجفی عن عدّه ، منهم شیخه صاحب الجواهر
بطریقه» .⁽³⁷⁾

آیه الله دهکردی در اجازه روایت به آیه الله مرعشی نجفی می نویسد :

« . . . و بعد فلما کان طراز الأوّل من سلفنا الصالحین و الحاملین للعلم من
الأقدمین إلى الآخرین اعتنوا بالإجازه تیمناً و تحفظاً و إدخالاً لأنفسهم فی رواه
أخبار أهل بیت النبوه و متلبساً بخلع الخلافه و مفتخراً بمنصب الحکومه ، و کما
غاب نجمٌ منهم طلع نجم آخر حتی وصل النبوه الی وارث علم الأوّلین و عین

وجود الآخِرین ، نُور حَدَقَه أساطین العلماء و نور حدیقه بساتین الفقهاء ، العالم العلیم و الفاضل الجمیل

، أس أساس النبالة و غصن شجره السیاده ، مروّج شریعه سید المرسلین ، أخونا و سیدنا السید شهاب الدین الحسینی المرعشی لا زال فیوضات وجوده مبسوطاً علی أراضی قلوب الطالبین ما اظلت السماوات الأرضین ، فإنی أجزته عامه أن یروی عنی کَلِّما صحت لی روایتہ و أباحت لی إجازته من الأحادیث المرویه عن أهل بیت النبوه المتعلقه بأصول الدین و فروعه و المعارف و الأخلاق و المواعظ و الأمثال » . (38)

شرح زندگانی آیه الله العظمی دهکردی رحمته الله علیه به خط معظم له که به درخواست آیه الله العظمی مرعشی رحمته الله علیه نوشته شده است .
4 حضرت آیه الله سید محمد رضا خراسانی رحمته الله علیه (رئیس حوزه علمیه اصفهان در زمان خود) .

ایشان در حدود سال 1302 قمری به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و سطوح ، درس خارج را از محضر بزرگانی چون آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی و آیه الله حاج میرزا صادق یزدآبادی و آیات دیگر اصفهان استفاده نموده تا به مدارج عالیہ فقاهت و اجتهاد ارتقاء یافته و از مدرسین و مراجع به نام اصفهان گردیده است . (39) وفات آیه الله خراسانی در سال 1397 قمری واقع شد و ایشان در جوار فاضل هندی صاحب

«کشف اللثام» در تخت فولاد اصفهان دفن شدند .

5 حضرت آیه الله سید عبدالحسین طیب رحمته الله علیه ، صاحب تفسیر «اطیب البیان»

وی از شاگردان حضرت آیه الله دهکردی است که بنا بر کلام خودشان در درس فقه آن فقیه ربّانی شرکت می کرده اند ، آیه الله طیب سال ها در نزد اساتید حوزه علمیه اصفهان و قم و نجف اشرف تلمذ کرده و از اساتیدی ، چون سید محمد باقر دُرّچه ای ، شیخ عبدالکریم حائری یزدی ، سید ابوالحسن اصفهانی ، آغا ضیاءالدین عراقی ، میرزای نائینی رضوان الله تعالی علیهم دارای اجازه اجتهاد می باشند . (40)

آیه الله حاج آقا میرزا دهکردی و آیه الله حاج آقا رحیم ارباب
6 حضرت آیه الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی (1297 1396 ه . ق .
) .

آیه الله ارباب مقدمات و سطوح را در اصفهان در خدمت حاج میرزا بدیع و آیه الله سید محمد باقر دُرّچه ای و آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی فرا گرفتند و فلسفه و هیئت و ریاضیات را از محضر حکیم جهانگیرخان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشانی معروف به آخوند کاشی (رحمه الله) آموختند .

آیه الله ارباب (رحمه الله) سال ها در حوزه علمیه اصفهان مُدرّس علوم معقول و منقول بودند و جمع کثیری از علما از محضر ایشان بهره مند گشتند . (41)

7 حضرت آیه الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی ، صاحب «مکیال المکارم» (1301 1348 ه . ق .)

ایشان عالمی جلیل و فاضل و خطیبی بارع بوده اند ، و از طرف آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی دارای اجازه روایت و اجتهاد می باشند . در قسمتی از این اجازه ، فقیه دهکردی می نویسد :

« . . . و ممّن وجدناه فی قرننا هذا ، سالکاً مسلک الرشاد و ناهجاً منهج السداد ، ناشراً لأخبار الأئمة المعصومین ، متفقهاً فی الدین ، جناب العالم العامل و

الفاضل الكامل ، الجامع للکمالات النفسانيه و الحائز للمراتب الايمانيه ، المهذب الصفي واللمعي الزكي ، أخونا و صديقنا الحاج ميرزا محمدتقي أدام الله تأييده فإننا قد وجدناه بعد قراءته علينا شطراً من المباحث الأصوليه و المسائل الفقهييه ، صاحب الذهن الوقاد و الفهم الفقّاد . . . و بالغاً رتبه الاجتهاد . . . و أوصيه أدام الله توفيقاته بملازمه التقوى و التورّع عن المكاره و حُسن الظنّ بالله تعالى و الاصلاح بين الناس فأنه من أفضل عامّه الخيرات و الاعتزال عن مجالس الحسره و الإكثار في الكلام الموجب للندامه و التقليل في الطعام و الكلام و المنام و ملازمه صُحبه الكرام فأنه يوجب قُوّه القلب و شهامه النفس و أسأله أن لا ينساني من صالح الدعاء . . . (سنه 1334 ه . ق .) «السيد ابوالقاسم الدهكردى ثمّ النجفي .

ایشان دارای تألیفاتی هستند از جمله :

1 ابواب الجنّات در آداب الجمعات .

2 مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم .

3 وظیفه الأنام فی زمن غیبه الامام عليه السلام .

8 بانوی مجتهده ایرانی سیده نصرت امین (1308 1403 ه . ق .) .

ایشان نزد عدّه ای از علما من جمله آیه الله سید علی نجف آبادی و آیه الله میرزا علی آقا شیرازی و آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی تحصیل علم و معرفت نمودند . بانو امین از عدّه ای از علما و فقها دارای اجازه اجتهاد و روایت هستند ، از جمله : آیه الله شیخ محمدرضا نجفی ، شیخ محمد کاظم شیرازی ، شیخ عبدالکریم حائری .

تألیفات زیادی دارند که از آن جمله است :

1 اربعین هاشمیه ; 2 تفسیر مخزن العرفان (در 15 جلد) ; 3 مخزن اللّالی ; 4

معاد یا آخرین سیر بشر . (42)

9 حضرت آیه الله شیخ محمد رضا جرقویی اصفهانی .⁽⁴³⁾

ایشان دارای حوزه درسی در کربلای معلی بوده اند . در کتاب زندگانی آیه الله چهارسوقی می نویسد :

« . . . بلکه قیام حوزه علمیه کربلای معلی را می توان به وجود ایشان (آیه الله میلانی) و آیه الله عظیم الشان ، محقق مدقق عالی قدر و مجتهد بارع ، آقای حاج شیخ محمد رضا جرقویی اصفهانی حائری دامت برکاته بسته و منوط دانست .

ایشان در مدرسه هندیه کربلا به تدریس کلام و اخبار و فقه مشغول و ظهر و شب در مسجد صافی اقامه جماعت می کند و نماز جمعه را در این زمان واجب عینی دانسته که در مسجد مذکور به پا می دارد .⁽⁴⁴⁾

10 حضرت آیه الله سید حسن چهارسوقی .

از نوادگان صاحب روضات الجنّات که در درس خارج فقه آیه الله دهکردی شرکت می نموده است . وی در نزد عده ای از علمای اصفهان ، امثال مرحوم آیه الله سید محمد باقر درچه ای ، حاج شیخ محمد علی نجفی مسجد شاهی ، شیخ محمد تقی اصفهانی تحصیل نموده و از عده ای از مشایخ عظام و علمای اعلام دارای اجازه روایت و اجتهاد می باشد .⁽⁴⁵⁾

11 حضرت آیه الله سید مرتضی دهکردی ، معروف

به حاج آقا میرزا دهکردی .

آیه الله حاج آقا میرزا دهکردی در سال 1313 قمری متولد شد . پس از گذراندن مقدمات در شهرکرد به اصفهان آمدند و نزد علمایی چون آیه الله سید محمد نجف آبادی و آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی (عمو و پدرزن خود) و حاج آقا رحیم ارباب و شیخ محمد خراسانی تحصیل علم نمود . در سال 1341

قمری پس از فوت پدرش به شهرکرد مراجعت نمود و به امامت جماعت و جمعه مسجدخان و رسیدگی به امور شرعی و اجتماعی مردم پرداختند. تا این که در سال 1353 قمری بعد از فوت آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی، بنا بر وصیت ایشان به اصفهان برگشتند و در مسجد سُرخِی (سفره چپی) به اقامه جماعت و ایراد سخنرانی های پرشور و حال و ارشاد و وعظ، به خصوص در ماه مبارک رمضان و شب های قدر پرداختند، و روزهای جمعه در زینبیه اصفهان نیز نماز جمعه را اقامه می نمودند. ⁽⁴⁶⁾ سرانجام حاج آقا میرزا دهکردی در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان سال 1359 شمسی به رحمت ایزدی پیوستند و پس از تشییع جنازه باشکوهی، پیکر مطهرشان در تخت فولاد اصفهان (تکیه لسان الارض) دفن شد رحمه الله علیه رحمه واسعه.

12 حضرت آیه الله سیدمحمد باقر رجایی رحمته الله علیه (1319، 1411 ه. ق.) ایشان در سال 1319 قمری در اصفهان در خاندان علم و روحانیت متولد گردیدند. در اصفهان مقدمات علوم را نزد جمعی از اساتید از آن جمله برادر فقیه خود آقا حسین فرا گرفتند، سپس به درس خارج اساتید حوزه علمیه اصفهان از آن جمله آیه الله دهکردی و حاج میرمحمد صادق خاتون آبادی حاضر شده، سپس به نجف اشرف عزیمت نموده از درس آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، محقق آغا ضیاء عراقی، سید عبدالهادی شیرازی، آقا شیخ محمد کاظم شیرازی رحمته الله علیه استفاده کردند. پس از وصول به مقام شامخ اجتهاد و دریافت اجازت روایی و گواهی اجتهاد از مشایخ و اساتید خویش، آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و آیه الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی، به اصفهان مراجعت و به درس و بحث و اقامه جماعت مشغول گشتند. معظم له در روز چهارشنبه 26 ربیع الثانی سال 1411 هجری قمری در

اصفهان وفات یافتند ، سپس جنازه شریفشان را به قم منتقل و در آن جا به خاک سپردند .⁽⁴⁷⁾

13 عالم ربّانی حضرت آیه الله ملاً حسینعلی صدیقین ، یکی دیگر از شاگردان آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی می باشند .
در «تذکره القبور» درباره ایشان می نویسد :

«عالم فاضل زاهد متقی ، از علمای پرهیزکار که به زهد و تقوا معروف خاص و عام و مورد وثوق و احترام کلیه طبقات بود . در اصفهان خدمت جمعی از اکابر درس خوانده و مراتب عرفان را خدمت حاج محمد جواد بیدآبادی تکمیل نموده و سال ها به ریاضت و تصفیه باطن گذرانیده تا جامع مراتب صوری و مقامات معنوی شد ، الحق ملکى بود به صورت بشر . ایشان در مسجد درب کوشک امامت و در مدرسه آن تدریس می نمودند و از طرف آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی نماینده تام الاختیار بودند .

وفات ایشان

در شب جمعه دوم صفر سال 1368 ه . ق . به سنّ متجاوز از هفتاد سالگی واقع شد و در یکی از حجرات تکیه کازرونی مدفون گردید .⁽⁴⁸⁾
14 حضرت آیه الله مرتضی مظاهری نجفی .⁽⁴⁹⁾

ایشان در سال 1316 قمری به دنیا آمدند . مقدمات و سطح را در اصفهان در نزد بزرگانی چون سید ابوالقاسم دهکردی ، مولی محمد حسین فشارکی ، مولی عبدالکریم جزی ، الحاج میرمحمد صادق احمدآبادی به پایان رسانده ، سپس نجف اشرف مشرف گشته و از محضر بزرگانی چون سید ابوالحسن اصفهانی ، میرزای نائینی ، آغا ضیاء عراقی ، سید ابوتراب خوانساری ، شیخ جواد بلاغی کسب فیض نموده و به درجه علم و اجتهاد رسیده و از بزرگان زیادی دارای

اجازه اجتهاد می باشند . بعد از مراجعت از نجف اشرف در اصفهان ساکن شدند . ایشان دارای تألیفاتی هستند که من جمله «مَقْبَسُ الْيَاقُوتِ فِي فَضْلِ السُّكُوتِ» و «قلع الغيبه» را می توان نام برد .⁽⁵⁰⁾ وفات ایشان در سال 1368 شمسی در اصفهان واقع شد و در باغ رضوان این شهر به خاک سپرده شدند .

15 عالم عامل حضرت آیه الله حاج سید یوسف خراسانی رحمته الله علیه .

ایشان در نجف اشرف متولد گردیدند ، و مقدمات علوم را در آنجا فرا گرفته و سپس به اصفهان مراجعت کرده و از محضر علما و آیات عظام آقا سید ابوالقاسم دهکردی ، آقا سید محمد باقر درچه ای ، آخوند ملا محمد حسین فشارکی ، برادر علامه اش حاج سید مرتضی خراسانی ، آقا سید مهدی درچه ای استفاده نموده ، معظم له در حدود پنجاه سال امامت جماعت مسجد حاج سید یوسف ، واقع در خیابان عبدالرزاق اصفهان را عهده دار بودند .⁽⁵¹⁾

16 مرحوم میرمحمد مهدی امام جمعه ، از نوادگان علامه مجلسی رحمته الله علیه .

اجازه اجتهاد و روایتی که آیه الله العظمی دهکردی به مرحوم میر محمد مهدی ، ملقب به سلطان العلماء ، داده اند در نزد دانشمند محقق آقای سید محمد علی روضاتی موجود است .⁽⁵²⁾

17 سید محمد حسین رضوی کاشانی (نقل از دو گفتار آقای سید محمد علی روضاتی) .

18 عالم ربّانی ملا علی ماریینی .

19 سید ابوالقاسم فریدنی (نقل از تاریخ اصفهان جابری ، ص 262) .

20 عالم ربّانی ، سید علی اکبر هاشمی .

21 حجه الاسلام و المسلمین آقا حسین دهکردی ، فرزند آقا سید ابوالقاسم

دهکردی .

22 حضرت آیه الله سید احمد نوربخش دهکردی ، برادر آقا سید ابوالقاسم
دهکردی .

23 حضرت آیه الله سید محمد باقر امامی ، برادرزاده آقا سید ابوالقاسم
دهکردی .

24 حضرت آیه الله سید محمد جواد نجفی ، برادرزاده و داماد آیه الله
دهکردی .⁽⁵³⁾

تألیفات

مقدمه

یکی دیگر از برکات و خدمات گرانبهای آیه الله دهکردی رحمته الله علیه تألیف کتاب
در علوم و فنون مختلف ، چون فقه و اصول و تفسیر و اخلاق و معارف و
عرفان می باشد . اگرچه جز چند جلد از آنها تاکنون چاپ نشده است ، ولی
امیدواریم در آینده ای نزدیک این کتاب ها که نُسخ خطی آن نزد نوه مرحوم
مؤلف است به زینت طبع آراسته گردد .⁽⁵⁴⁾

کتاب های فقهی

- 1 شرح بر شرایع ، در دو جلد ، در طهارت و بیع .
- 2 المتاجر ، تقریر درس محقق رشتی رحمته الله .
- 3 حاشیه بر جامع عباسی شیخ بهایی رحمته الله (مطبوع) .
- 4 حاشیه بر نُخبه حاجی کلباسی رحمته الله (مطبوع) .
- 5 حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری رحمته الله .
- 6 رساله ای در طهارت .
- 7 رساله فقهیه در قبض .
- 8 رساله عملیه جهت مقلدین به نام «هدایه الأنام» (مکرر چاپ شده است) .

کتاب های اصولی

- 9 تنقیح الأصول ، تقریرات درس محقق رشتی رحمته الله با نظریات مؤلف در بحث الفاظ .
- 10 حاشیه بر رسائل شیخ انصاری رحمته الله .

کتاب های تفسیر و حدیث :

- 11 ینابیع الحکمه در تفسیر .
- 12 حاشیه بر تفسیر صافی .
- 13 شرح بر اصول کافی (چنان که در منبر الوسيله ، ج 1 فرموده اند) .
- 14 شرح کتاب من لایحضره الفقیه ، از کتاب قضا به بعد فارسی .
- 15 حاشیه بر وافی .
- 16 اللّمعات فی شرح دعاء السمات .

- 17 الذخیره فی الأدعیه و الخُتومات المُجرّبه .
18 شرح حدیث حقیقت کمیل بن زیاد (در منبر الوسيله ذکر شده) .

کتاب های اخلاقی و عرفانی

- 19 جنه المأوی در اخلاق .
20 الاخلاق .
21 منبر الوسيله ، در دو جلد . (55)
22 بشارات السالکین یا واردات غیبیه .
23 السوانح و اللوائح (تاریخ اقامت ایشان در شیراز) .
24 الفوائد ، مجموعه ای پرفایده .
جلد کتاب منبر الوسيله (ج 1) که اخیراً چاپ شده است .

مبارزات

مرحوم آیه الله دهکردی از جمله بزرگانی هستند که با مرحوم آیه الله شیخ محمد تقی نجفی و حاج آقا نورالله نجفی، همفکری و همکاری در مبارزه داشته اند. از جمله مبارزات ایشان این که همراه مرحوم آقانجفی به عنوان اعتراض به قم مهاجرت می کنند، و آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی یکی از علمای مبارزی بوده اند که با سلطه بازار خارجی در ایران مخالفت نموده اند که ذیلاً ذکر می گردد:

قرارداد 13 تن از علمای اصفهان و رکن الملک شیرازی

«این خُدام شریعت مطهره، با همراهی جناب رکن الملک، متعهد و ملتزم شرعی شده ایم که مهما ممکن بعد ذلک، تخلف ننماییم، فعلاً پنج فقره است:

اولاً: قبالات و احکام شرعی از شنبه به بعد روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود. اگر بر کاغذهای دیگر نویسند مهر نموده و اعتراف نمی نویسیم.

قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد امضا نمی نماییم، حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی شویم، ماها به این روش متعهدیم.

ثانیاً: کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه دیگر غیر ایرانی باشد متعهد شده ایم بر آن میّت

ماها نماز نخوانیم. دیگری برای اقامه صلوه بر آن میّت بخواهند، ماها را معاف دارند.

ثالثاً: ملبوس مردانه جدید، که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می شود، قرار دادیم مهما ممکن، هر چه بدلی در ایران یافت می شود لباس

خودمان را از آن منسوج نماییم و منسوج غیر ایرانی را نپوشیم و احتیاط نمی کنیم و حرام نمی دانیم لباسهای غیر ایرانی را ، اما ماها ملتزم شده ایم حتی المقدور بعد از این تاریخ ملبوس خود را از منسوج ایرانی بنماییم . تابعین ماها نیز کذلک و متخلف توقع احترام از ماها نداشته باشد . آنچه از سابق پوشیده و داریم و دوخته ایم ممنوع نیست استعمال آن .

رابعاً : میهمانی ها بعد ذلک و لو اعیانی باشد ، چه عامه چه خاصه ، باید مختصر باشد؛ یک پلو و یک چلو و خورش و یک افشره . اگر زاید بر این تکلف ، احدی ما را به محضر خود وعده نگیرد . خودمان نیز به همین روش میهمانی می نماییم . هرچه کمتر و مختصرتر از این تکلیف کردند ، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود .

خامساً : وافوری اهل وافور را احترام نمی کنیم و به منزل او نمی رویم ، زیرا که آیات باهره :

(إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ) و (لَا تُسْرِفُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ) و (وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ) ، و حدیث : «لا ضرر و لا ضرار» ، ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و سری است و خانواده ها و ممالک را به باد داده . بعد از این هر که را فهمیدیم وافوری ، به نظر توهین و خفت می نگریم» .

صورت دستخط و امضای آقایان گرام و علمای فخام کثر الله امثالهم :

محل خاتم مبارک سرکار ثقه الاسلام آقای حاج نورالله نجفی .

بسم الله الرحمن الرحيم ، الاحقر حسين بن جعفر الفشاركي به ترتيب مرقومه معمول می دارد و در ترویج همین مناہج حضرات ، وفقنا الله و اخواننا لذلك بمحمد و آله صلی الله علیه و علیهم جمادی الاولی 1324 .

بعون الله تعالى به همین ترتیب معمول می شود .
محل خاتم مبارک حجه الاسلام آقا نجفی دام ظلّه العالی .
محل خاتم شریف آقای شیخ مرتضی اژه .
محل خاتم جناب رکن الممالک .
محل مهر جناب حاجی سید محمد باقر بروجردی .
بسم الله تعالى : طوبی للعامل بها ثم طوبی له ، محل مهر جناب آقا میرزا
علی محمد .

قراردادی که جنابان آقایان حجه الاسلام (آقا نجفی) و آقا ثقه الاسلام (حاج
آقا نورالله نجفی) و سایر آقایان عظام و فقهای فخام دام ظلّه علی رئوس
المسلمین فرموده اند ، خیر مسلمانان است و مستلزم اعانت کسبه و ضعفا می
باشد . البته جمیع مسلمانان اطاعت می کنند ، هر که مخالفت کند توهین شرع
انور نموده . البته همین قسم معمول می دارم . فی جمادی الاول سنه 1324 .
محل مهر شریف جناب مستطاب آقای حاج میرزا مهدی جویباره دام ظلّه
العالی .

بسم الله الرحمن الرحيم ، خوب قراردادی است ، جمله از آن را حقیر مدتی
است ملتزم هستم ، بعد از این خودم و بستگان خودم به مراتب مرقوم شده عمل
می کنیم .

حررته من السابع عشر من شهر جمادی الاول سنه 1324 .
و انا الاحقر سید ابوالقاسم الدهکردی

محل خاتم مبارک

محل مهر سرکار آقای سید ابوالقاسم زنجانی دام ظلّه .

محل مهر آقای محمّد جواد قزوینی .

محل مهر آقا سید محمّد رضا ، شهیر به آقا میرزای مسجد شاهی .

محل مهر آقای آقا حسن بیدآبادی حفظه الله . (56)

آخوند خراسانی طی حکمی برای تولیت اوقاف اصفهان و حومه

سه تن از بزرگان ، من جمله آیه الله العظمی دهکردی

را معین نمودند که حکم صادره فوق نمونه ای از آن است .

پی نوشت ها

29 زندگانی آیه الله چهارسوقی ، ص 193 .

30 المسلسلات ، ج 2 ، ص 35 .

31 صُقع : ناحیه ، کرانه ، گوشه زمین ، اصقاع جمع ، فرهنگ عمید ، ص 876 .

32 زندگانی آیه الله چهارسوقی ، ص 194 .

33 تُقباء البشر ، ج 1 ، ص 61 .

34 اربعین حدیث ، حضرت امام خمینی ، ص 3 . اصل این اجازه یا نمونه ای از آن یافت نشد که در اینجا نقل کنیم .

35 تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ، ج 2 ، ص 227 .

36 المسلسلات ، ج 2 ، صص 31 32 .

37 الاجازه الکبیره ، ص 17؛ قبسات ، ص 40 .

38 المسلسلات ، ج 2 ، ص 28 .

39 گنجینه دانشمندان ، ج 3 ، ص 91 ، چاپ اسلامیّه ، 1352 ش .

40 مجله حوزه ، ش 33 ، مصاحبه

با آیه الله طیب .

41 مجموعه ارباب معرفت (یادنامه آیه الله ارباب) ، صص 74 و 99 .

- 42 بانوی مجتهده ایرانی ، ص 32 .
- 43 المسلسلات ، ج 2 ، ص 31 .
- 44 زندگانی آیه الله چهارسوقی ، ص 133 .
- 45 همان ، صص 5859 .
- 46 شناخت سرزمین چهارمحال ، ج 2 ، ص 25 .
- 47 یادنامه آیه الله سید بحرالعلوم میردامادی ، صص 5556 .
- 48 تذکره القبور ، ص 305 . حضرت حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ مهدی معتمدی دام ظلّه ابوالزوجه نگارنده ، می فرمودند که آیه الله صدیقین شاگرد آیه الله دهکردی بوده اند .
- 49 لازم به ذکر است که ایشان ابوالزوجه حضرت آیه الله شیخ حسین مظاهری دام ظلّه می باشند .
- 50 اقتباس از مقدمه مقبس الیاقوت فی فضل السکوت ، از تألیفات آیه الله مظاهری رحمته الله علیه .
- 51 یادنامه آیه الله سید بحرالعلوم میردامادی ، ص 53 .
- 52 به نقل از صدیق گرامی ، طلبه فاضل آقای رحیم قاسمی ، در ضمن از راهنمایی های ایشان کمال تقدیر و تشکر را می نمایم .
- 53 شرح حال این چهار نفر عالم ربانی در خاندان آیه الله دهکردی ذکر می گردد .
- 54 تألیفات ذکر شده از مصنف رحمته الله علیه در این کتاب ها مسطور است : ریحانه الأدب ، ج 2 ، ص 244؛ نقباء البشر ، ج 1 ، ص 66؛ تذکره القبور ، صص 93 94؛ المسلسلات ، ج 2 ، صص 31 35 .
- 55 لازم به تذکر است
- این کتاب که اثری بس مفید و علمی در اصول عقاید اسلامی ، به سبک فلسفی و عرفانی می باشد ، به تحقیق بنده و از طرف مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم جلد اول آن چاپ گردیده و جلد دوم آن بزودی چاپ می شود .
- 56 حکم نافذ آقا نجفی ، موسی نجفی ، صص 82 85 ، نقل از روزنامه حبل المتین سال 1324 قمری .

فصل سوم

تلاش در عبادت و تحصیل ایشان

ایشان با تهذیب نفس و پاسداری از دل و پارسایی در عمل ، به ملکوت اُنس گرفته و حقایقی از ماوراء عالم طبیعت را با چشم دل مشاهده می کرده اند ، اینک به بعضی از این مکاشفات اشاره می شود .

در کتاب «منبر الوسیله» ، ذیل حدیث «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»⁽⁵⁷⁾ می فرمایند :

«و این (معرفه النفس) طریقه این ضعیف سراپا قصور و تقصیر است که در زمان فرار الی الله در طریق سیر به سوی بُقعه مبارکه یعنی تخته فولاد اصفهان به دست گیری ولیّ مطلق و کلمه باقیه الهیه ، صاحب العصر والزمان روحی له الفداء و نفسی له الوقاء از برکت توسّل به آن بزرگوار از نظر تدبّر در آیه شریفه (سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ)⁽⁵⁸⁾ نوری از مشرق عالم غیب ، از افق قلب تابش نمود و خار و خَس سُکوک و شُبّهات و ظلمات جهل را بالمره برطرف نمود»⁽⁵⁹⁾ .

خود ایشان در این رابطه می نویسد :

« . . . فادرکتني الرَّحْمه الرَّحْمَانِيّه ، و اقبلت على العباده و قضاء الصلوات و

إصلاح الحال و

المجاهدات ، فرأيتُ ما رأيتُ و شاهدتُ ما شاهدتُ ، و اشتغلت بتحصیل العلوم و المعارف على النهج المرغوب ، و اتّصلت كدّ الأيّام بسهر الليالی ، و ما زلت في جميع الحالات ملتجئاً الى الله تعالى الرؤوف بعباده ، و متوسلاً بأوليائه

سادات الأنام و شفعاء الضعفاء و الأيتام ، حتى بلغت من السن الى خمسة و عشرين ، فاعطاني الله تبارك و تعالی القوه القدسيه و تركت المتابعه و التقليد و صدقوني على ذلك بالاجتهاد المطلق » .⁽⁶⁰⁾

فراست آیه الله دهکردی

در روایات ما یکی از صفات شخص مؤمن را فراست و زیرکی او برشمرده اند ، چنانچه در روایتی امام باقر علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می فرماید که حضرتش فرمودند :

«إِتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ»⁽⁶¹⁾؛ بترسید از زیرکی مؤمن زیرا او با نور خدا می بیند .

اینک نمونه ای از فراست آیه الله دهکردی رحمته الله علیه نقل می گردد :

مرحوم آیه الله بحرالعلوم میردامادی

حضرت آیه الله سید بحرالعلوم میردامادی رحمته الله علیه⁽⁶²⁾ می فرمودند : نقل شده شخصی مدتها خود را جزء ارادتمندان ایشان قرار داده و در نماز جماعت ایشان حاضر می شده و خیلی به ایشان اظهار ارادت می نموده ، تا بعد از مدتی مقدار قابل توجهی پول از وجوهات به ایشان پرداخت می نماید ، و این درحالی بوده که ایشان احتیاج به این پول برای مخارج اولیه زندگی خود داشته اند ولی این پول را کنار می گذارند و مصرف نمی کنند ، مدتی می گذرد و آن شخص به ظاهر مُرید قباله ای در رابطه با زمینی که می خواسته به تصرف درآورد به خدمت آیه الله دهکردی می آورد و از ایشان طلب تأیید و امضا می کند ، معظم له که می فهمند این شخص می خواهد حق و ملک دیگران را تصرف کند ، از امضاء خودداری می کنند و لذا آن شخص ریاکار با عصبانیت از ایشان می

خواهد که پول هایی که جهت وجوهات داده بوده به او برگردانند و ایشان تماماً پول های او را که داده بود برمی گردانند : (فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ) .

دو رؤیای صالحه در نجف اشرف (نقل از آیه الله دهکردی)

اول : «در رؤیای صالحه در نجف خدمت ولی مطلق ، صاحب شجره طوبی رسیدم ، عرض کردم : آقا ! علمی می خواهم که صاف و زلال باشد . فرمود : فعلا حاصل است . عرض کردم : ایمان می خواهم . فرمودند : ایمان عمل می طلبد» . (63)

دوم : «حقیر مؤلف در رؤیای مفصل به حضرت مولای متقیان امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم : آقا ! پای شما ببوسم ، و خواستم ببوسم نگذاشتند و دست مبارکش بوسیدم و به صورت مالیدم و به سینه مالیدم : «فافهم إِنْ كُنْتَ مِنْ أَهْلِهِ» . (64)

دستور العمل عرفانی از فقیه و عارف صمدانی حضرت آیه الله العظمی

مقدمه ای بر دستورالعمل

مقدمه عرض می شود ایشان ، انظار و افکار عرفانی و تجربه های سلوکی خویش را در کتابی به نام «منبر الوسيله»⁽⁶⁵⁾ گردآورده و در این کتاب ، دستاوردهای عرفانی خود را با عنوان «مُرْقَاه» و پلکان با ترتیب خاصی نظم و نسق داده است ، تا راهیان کوی کمال با بهره وری از آن به مقامات رسند . در مقدمه منبرالوسيله عارف دهکردی می نویسد :

«إِنَّ هَذِهِ وَسِيلَتِي إِلَى رَبِّي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي ، إِبْتِغَايْتُهَا لِنَفْسِي وَ لِمَنْ اِقْتَنَى إِثْرِي ، قَدْ قَذَفَهَا اللَّهُ تَعَالَى فِي قَلْبِي ، فَانْشَرَحَ بِهَا صَدْرِي وَ أَنْارَتِ مِشْكُوهُ نَفْسِي ، فَاحْيَا بِهَا مَنِّي مَا قَد مَاتَ ، وَ تَدَارَكَ بِهَا مَا قَد فَاتَ ، وَ ذَلِكَ بَعْدَ التَّجَائِي إِلَى رَبِّي بِكُلِّيَّةِ وَجُودِي ، وَ انْخِلَاعِ نَفْسِي عَنِ انَانِيَّتِي ، وَ طَيْرَانِ لُبِّي إِلَى فِضَاءِ الْقُدْسِ ، وَ مُبَاشَرَتِي رُوحِ الْيَقِينِ ، فَاسْتَلَانِ لِي مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمَتْرَفُونَ ، وَ انْشَرَحَ صَدْرِي مِمَّا يَضِيقُ مِنْهُ الْقَوْمُ الْجَاهِلُونَ ، وَ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ مَنِّي لِمَرَاجَعِهِ الْكُتُبِ وَ لَا لِكَثْرَةِ مَطَالَعَةِ الصُّحُفِ ، بَلْ لَانْقِطَاعِي إِلَى اللَّهِ وَ الْإِبْتِهَالِ إِلَيْهِ تَعَالَى وَ التَّدَبُّرِ فِي آيَاتِ اللَّهِ .»

ترجمه

«این کتاب ، مَرَكَبِ عروج من به سوی پروردگار است . سعادت دنیا ، بهروزی آخرت و سلامت دین را در عمل بدان می دانم . این را برای خودم و هر آن که از من پیروی کند ، نوشته ام . به درستی که مطالب این کتاب را قرار داد خدای تعالی در قلبم ، و به واسطه آن شرح صدر پیدا نمودم و روشن شد چراغ جانم ، و این بود بعد از آن که با تمام وجودم به خدا روی آوردم ، در

بارگاه الهی اُنس گرفتیم و نفس خودبینم را خداین کردم ، عَقلَم در آسمان قُدس به پرواز درآمد ، حقیقت یقین را چشیدم ، راههای پُریم و هراس برایم هموار شد ، از فضای کوچک تنگ بینان رستم و گشادگی سینه و وسعت دل پیدا کردم . این معارف ، ابعاد وجودی و استعدادهای معطل را احیا کرد و گذشته عمرم را نقد نمود . البته این برکات از کتابخوانی و پرمطالعه ای برنیاید ، که مرهون «انقطاع الی الله» و تضرع به درگاه او و تدبّر در آیاتش است .⁽⁶⁶⁾

او بر این باور است که نفس ناپاک اگر دانش توحید نیز فرا گیرد ، بر حجاب هایش افزوده می گردد . طالب علم ، پیش و بیش از تحصیل علوم ، باید به تزکیه و تهذیب نفس پردازد . معارف و علوم ربوبی ، در زمین پاک ثمر دهد و چراغ راه گردد :

«انما الطریق الی ذلک تزکیه

النفس عما یردبها و انقلاعها ممّا یفنیها و ردعها عن اهویتها و رفض الدنیا الدنیه والزهد عن زهراتها الفانیة و الرغبة الی الباقیات الصّالحات و الدرّجات الرفیعات .»؛ تنها راه رسیدن به این مقام ، پیراستن نفس از فرومایگی ها ، و کندن آن از دل بستگی به امور فانی و زودگذر ، و بازداشتن آن از هوس ها ، و بر فرق دنیا قدم نهادن ، و در برابر زرق و برق و جذبه های آن زهد ورزیدن ، و به مقامات اخروی و کارهای جاودانه و شایسته دل بستن است .

عارف دهکردی تنها راه رسیدن به مقام محمود و درجات معنوی را در تقوا ، اُنس و عمل مداوم به سنّت رسول الله ﷺ و پیروی از راه و رسم و سیره هدایت گران خلق ، امامان معصوم علیهم السلام ، می داند :

«و لن ینال ذلک البتة الا بتقوی و ملازمه سنّه رسول الله و سلوک منهاج

اولیاء الله الائمة الهدی .»

اینک گوش جان را به آموزه های روح پرور و دلپذیر آن فقیه و عارف
وارسته می سپاریم؛ دستورهایی که خاستگاه آنها فرقان ربوبی و کوثر علوی
است . امید آن که در وصول به لقای حق ، چراغ راهمان گردند .⁽⁶⁷⁾

متن دستورالعمل آیه الله دهکردی

بسم الله الرحمن الرحيم

سفارش می کنم تو را ، ای نفس خطاگر ! غافل از آقا و پروردگارت ! اسیر
و برده و ذلیل دشمنانت ! کاهل به مهمات امور و هدف و رسالت آفرینشت ! چه
بسیار عمر گرانقدر را ضایع کردی ، با آن که می توانستی با آن سرمایه گرانقدر
و پرمایه، تجارت های کلان و سودآور انجام دهی . سوگ مندانه این سرمایه
گران را تباه کردی و خود را به افسوس و حسرت همیشگی مبتلا؛ چه همه بر
خویشتن خویش ستم روا داشتی .

روحی را که پادشاهی توانا بر رساندن تو به سلطنت دائمی و جاودانه است ،
در زندان شهوات رنجور کردی و در غل و زنجیر و اسارت هوا و هوس گرفتار
! اسیر خائنان و عمر دزدانش کردی . بیچاره تر ، بدحال تر و پشیمان تر از تو
چه کسی است ؟ تو با این کار ثروت عظیم خود را به فقر ، پادشاهی را به خاک
نشینی ، سود را به تباهی ، و راحتی و آسودگی را به ناکامی بدادی ، دار کرامت
و منزل عزت را به عذاب و خواری بفروختی . تو در گورستان تاریک و بی
کس ، با کژدم ها و حشرات مؤذی چه خواهی کرد ؟ در روزی که مال و فرزند
سود ندهد و هر کس از دوستان و برادران و فرزندان خود می گریزد و در
نجات خویش می کوشد ، تو را چه حال و روزی است و بر تو چه خواهد رفت
؟

در روز قیامت ، حمایت گر و شفاعت گر تو کسی نیست ، مگر آن که تو را قلبی سلیم باشد .

هان ! من به تو راه رشد و صلاح را باز نمودم ، توصیه هایم را پاس دار و با سستی و کاهلی ، آنها را ضایع نکن !

سفارش می کنم جز خدا را بنده مباش ! کسی را با او در هیچ شأنی از شوون زندگی همباز و شریک مگیر !

به هیچ کس جز او ، دل مبند و امید مدار ! بین خود و خدای خود را اصلاح کن ، که در این صورت او کار تو را با خلق ساز کند و تو را بر نزد آنان محبوب سازد . تمام هم خویش را صرف آبادی آخرت کن ، خداوند کارهای دنیایی را سامان دهد و آسان سازد . از خدا ، چونان که شایسته اوست پرواگیر و در نهان و آشکار خود را در محضر او بین ، او در همه کارها و گرفتاری ها راه را بر تو بنماید و کارها را به کام سازد . میانه روی را در همه کارها فرا دید دار ، تا به حسرت و پشیمانی و ندانم کاری گرفتار نشوی . قناعت را پیشه خویش کن ، چه قناعت گنجینه ای تمام ناشدنی است .

از حرص و طمع و پیروی هوا بپرهیز ، چه این خصلتها ، ذلت ، انحراف از حق ، و شرک به خدای عظیم را در پی آرد . اعتزال را پیشه کن ، زیرا دوری از غوغای دنیا به سلامت نزدیکتر است .

از شهرت و نام آوری بگریز ، چه در خوب و بد آن آفت است . جان خویش را از خوبی های پست و خصلت های نکوهیده پاک و پیراسته کن ، تا از مرز حیوانیت به دایره انسانها فرا آیی .

از عادات بد بپرهیز ! مراقب باش صفات ناپسند برایت عادت نشود .

در کسب کمالات بکوش ، چه عزت دنیا و آخرت و سربلندی دو جهان در آن است .

نماز را در اوّل وقت به جای آور ، تأخیر نماز از وقت آن بدون عذر ، تضييع و بی اعتنائی بدان است .

به هنگام نیایش و در عبادات با تمام وجود روی دل را به معبود بدار ، تا به مقامی پسندیده نایل آیی .

دعا برای پدر و مادر را پس از نمازها و در دیگر مظان استجابتِ دعا فراموش نکن ، چه ترک آن جفا به پدر و مادر است .

همیشه با وضو باش ، تا خداوند باطن و جان تو را منور سازد .

به گاه نماز ، خلوت گزین ! بر سجاده قرار گیر ! دست را به نیایش بلند کن ! چشمها را بر هم نه و یا به حالت افتادگی و تضرع آور ! دلت را به نماز بسپار و مقدمات آن را با آدابش به جای آور ، تا نفس متوجه خدا شود و از غیر بُیرد و به خدای تعالی رو آرد .

بر تو باد به نماز شب ، او چراغی فراراهت در تاریکی قبر و عرصه قیامت خواهد بود . نماز شب ، نشان انبیا و صالحان است .

قرآن ، بسیار بخوان ! دائم به یاد خدا باش ! همیشه در تفکر و اندیشه باش ! نسبت به دنیا و زرق و برق آن زهد بورز !

از دروغ ، افتراء ، تهمت ، پرخوری و پرگویی و معاشرت با زنان دوری کن ، چه همنشینی زنان ، کودنی ، خواری ، رسوایی و بدبختی آرد و اوقات عمر را ضایع کند .

از مال حرام و شبهه دار دوری کن ، زیرا چنین اموالی چخماق و فندک آتش جهنم است .

از پیروی هوا و هوس پروا گیر، زیرا این کار، غفلت و قساوت آرد، آتش جهنم را شعله ور سازد.

برادران عزیز من! اوقات عمرتان را سه بخش کنید:

بخشی از آن را در تحصیل علوم، معارف و کسب کمالات و فضایل مصروف دارید؛ بخشی دیگر را به عبادات و طاعات از روی اخلاص و توجه به خدا به کار گیرید؛ و مقدار باقی مانده آن را در راه ساماندهی به امورات مادی زندگی و تحصیل معاش به کار گیرید، زیرا «مَنْ لَامَعَّاشَ لَهْ لَّا مَعَادِلَهْ»؛ آن را که زندگی به کفاف نباشد، در توفیق بر بهروزی معاد نخواهد بود.

در همه کارها به خدا توکل کن و در تمام احوال به او پناه بر، تا او کارهایت را سامان کند و به آسانی با برادرانی از اهل صفا و جوانمردی همدمت سازد، آنان تو را در سیر الی الله یاری کنند.

خداوند برای تو معلمی برانگیزاند، تا راهنما باشد به سوی صراط مستقیم و بتوانی از باطن ولایت، نور، بهره گیری.

در همه حال، دست به ذیل عنایت ولی خدا، قائم به امر خدا، جناب ولی عصر ارواحنا له الفدا بدار! (68)

چنانچه ذکر کردیم آیه الله دهکردی کتابی به نام «منبر الوسیله» دارند. جلد اول این کتاب در بحث توحید و عدل می باشد که اینک بعضی از حکایت های دل نشین و خواندنی را از این کتاب شریف نقل می نمایم.

وصیت میرفندرسکی رحمته

(69)

سید جلیل القدر میر محمد حسین ، نوه مجلسی ثانی ، اول امام جمعه دارالسلطنه اصفهان ، از طایفه و سلسله جلیله امامیه سادات خاتون آباد ، بعد از فوت علامه مجلسی می نویسد در رساله ای که نزد حقیقیر موجود است ، که حکایت کرد از برای من جدی العلامه (المجلسی) که :

جناب میرفندرسکی وصیت فرمودند در مرض موت خود که جنازه مرا بگذارید در مقبره بابا رکن الدین⁽⁷⁰⁾ در جنب نهری که در آنجاست و کسی معترض نشود از برای تغسیل و صلوه و دفن ، بلکه جنازه را در حریم نهر بگذارید و خدا یکی از اولیای خود را می فرستد که متصدی شود تغسیل او را و دفن او را ، پس به وصیت او عمل کردند و گذاشتند جنازه او را در حریم آن نهر که ناگاه علامه تقی نقی ملا محمدتقی مجلسی اول که والد جد سید متقدم الذکر باشد پیدا شده ، به تقریب این که شب را در قریه شهرستان بودند صبح آن شب از آن قریه سوار شدند به جهت معاودت به شهر اصفهان و عادت ایشان بر این بود که از طریق دیگری که عبور ایشان به این مکان نمی افتاد عبور می کردند . آن روز به قلب ایشان افتاد که عبور کنند از طریق دیگری که عبور ایشان به تخت فولاد به آن محل مخصوص می افتاد ، پس از آن راه آمدند ، دیدند ازدحام مردم را در آن مکان ، سؤال نمودند از کثرت و ازدحام مردم ، پس گفتند به ایشان که جناب میرفندرسکی وفات فرموده و این جنازه اوست در این مکان ، پس پیاده شد جناب مجلسی رحمته و مشغول شد به غسل دادن جنازه میر ، و بر او نماز گذارد و او را دفن نمود در همین موضعی که الان مدفون است

و در قرب همان نهر آب ، و بعضی از مؤمنین از آن زمان اراضی حول قبر ایشان را وقف نموده ، تکیه مشتمله بر حجرات متعدده که الان موجود است بنا نمودند ، و از آن زمان الی زماننا هذا که سنه هزار و سیصد و بیست و پنج قمری است ، دائر و محل عبادت اهل ایمان است .⁽⁷¹⁾

جریان تشرف سید بحرالعلوم رحمته

(72) «هنگامی که نجف اشرف مشرف بودم، یکی از خانه های سید بزرگوار بحرالعلوم را اجاره کردم. آقا سید محمد که از احفاد آن سید جلیل القدر، و هم از معاریف علما بود، شب ورود حقیر آمدند دیدن حقیر (سید ابوالقاسم دهکردی). و خانه جناب ایشان هم در جنب خانه حقیر بود. شب پنجشنبه را هم من رفتم منزل ایشان. چون خواستم برخیزم، فرمودند: سیدنا إجلس! أتونس بخدمتکم رو کردند به ملازم خود که: سووا قهوه لجناب السید! من به جناب ایشان عرض کردم اگر می خواهید باز خدمت شما قدری بنشینم از وقایع روح افزای سید بزرگوار جد خود را نقل کنید. اگرچه وقایع ایشان معروف و مشهور است ولكن شما اهل البیت هستید و أهل البیت ادری بما فی البیت، فرمود: نعم سیدنا. شیخ یوسف که در زمان سید بزرگوار کلیددار حرم محترم بود، و هم قائم مقام بود که بسیار بانظم و با کفایت بود. و مخدرات عجمیات که به زیارت مشرف می شدند قدغن اکید گرفته که با زینت به حرم مشرف نشوند که اسباب تفرقه حواس زائرین شود و هم توهین آنها باشد. بالجمله عادت شیخ یوسف این بود که شبها به جهت محافظت زوار در کوچه ها گردش می کرد. هنگامی که سید بحرالعلوم رحلت فرمود جنازه شریف و مطهر او را در مسجد طوسی گذارده و علماء اعلام و فضلاء الفخام اجتماع نموده، در این هنگام شیخ یوسف زیاد گریه می کرد، خودش در مقام دفع دخل برآمده رو کرد به علماء حاضرین که فرمائید عزاداری و گریه بر سید، حق علماست، حق تو نیست. تو را چه می شود. من حکایتی از سید دارم، آن این است:

شبی در کوچه گذر می کردم، هنگامی که خیلی از شب گذشته بود و درهای صحن و حرم بسته شده و مردم از تردد و رفت و آمد افتاده، نزدیک کوچه

درب طوسی که رسیدم دیدم شخصی رو به حرم می رود و عبای خود را به سر کشیده ، قدری پیش رفته تأمل کردم ، فهمیدم سید بحرالعلوم است . به دنبال ایشان رفتم رسیدند به درب صحن ، دست مبارک به در گذاشتند ، در باز شد ! من تعجب کردم ، حمل بر این کردم که خُدامِ درب را درست نبسته اند یا آن که سید به آنها سفارش کرده که در را نبندند که به حرم مشرف شود . سید داخل صحن شده ، از کفش داری بالا رفتند به در رواق رسیدند ، دست به درب رواق گذارده ، درب رواق هم باز شد ! بر تعجب من افزوده که در حرم و رواق را که من خود بستم و کلید آنها پیش من است . پس سید داخل رواق شده به در حرم رسیدند دست به در حرم گذاشته در حرم باز شد ! بدون اذن دخول داخل حرم شدند ، من همان مکان در رواق ایستادم . سید نزدیک ضریح رسید عرض کرد :

«السلام علیک یا امیرالتحل السلام علیک یا . . . الفحل .»

کلمه قبل را من فراموش کردم السلام علیک یا جدّاه ، من صدای مهممه می شنیدم ، اما نمی فهمیدم که کلمات چیست ؟ پس مراجعت فرموده بیرون آمدند قفل را به در گذارده دستی به او گذاشتند صدای حرکت قفل را شنیدم که مُقفل شد و هم چنین در رواق را ، از صحن مقدّس خارج شدند . من دنبال سید بودم تا سر کوچه که برگشتند سلام وداع بدهند ، من را دیدند ، فرمودند : کیستی ؟ عرض کردم : عبْدُک شیخ یوسف . فرمود : منْ اَینْ ؟ ؛ از کجا با من بودی ؟ عرض کردم : سیدنا من اوله الی آخره . شما را به حق صاحب همین قبر قسم می دهم که از من مخفی ندارید این مطلب را ، فرمود : پس می گویم برای تو ، ولی شرط می کنم تا من زنده ام اظهار این سر را نکنی . بعد از فوت به جهت تشیید قلوب شیعیان اظهار کن ! عرض کردم : سَمَعاً و طاعهً . فرمود : بعضی مسائل بر من مشکل می شود می روم خدمت حلال مشکلات ، گاهی جواب

می فرماید ، گاهی حواله می فرماید من را به امام زمان ارواحنا له الفداء از آن جمله امشب فرمودند : امام زمان تو الان در مسجد کوفه مشغول عبادت است ، بُرو از او سؤال نما مسائل خود را ، اوست امروز امام زمان تو» .⁽⁷³⁾

کرامتی از سید بحر العلوم رحمته

«سید بزرگوار بحر العلوم وقتی را از نجف اشرف به زیارت حضرت اُبی عبدالله الحسین علیه السلام به کربلا مشرف می شود . روز جمعه را عزم به مراجعت می فرماید . همراهان که یکی ازهد اهل زمانه ، شیخ حسین نجفی بوده کراحت از این مطلب داشته (نظر به کراحت سفر در روز جمعه) و میل به حرکت نمودن فردای آن روز که شنبه باشد داشته که ممدوح است سفر در آن روز . سید حتم می فرماید بر حرکت ، و روز جمعه را از کربلا بیرون می آیند ، چون از شهر و باغات او گذشتند هوا بسیار شدید الحر (گرم) بوده غمامه (آبر) پیدا می شود و تضلیل (سایه) می اندازد سید را ، شیخ حسین قدری عقب افتاده ، در دل به ایشان هم اعتراض داشته ، گرما به او اثر می کند فریاد می کند به سید که : کجا می روید ؟ ما را در روز شدید الحر بیرون آوردید ؟ سید می فرماید : لِمَ تَخْلُفْتُمْ عَنَّا ؟ ؛ چرا ما را رها کردید ؟ شیخ ملاحظه می فرماید و آن غمامه (سایه) بر سر سید و اتباع او انداخته ، خود را ملحق به سید می نماید و آن غمامه همراه آنها بوده تا کاروانسرای سُور . «⁽⁷⁴⁾

کرامتی از عالم ربّانی شیخ حسین نجفی رحمته الله

«شیخ حسین که اُعبَد و اُزهد اهل زمان خود بوده ، و امامت جماعت نجف در زمان سیّد بحرالعلوم با او بوده ، قضیه ای دارد که نقل می کنم . . . جناب شیخ با جمعی در ایوان مطهر نشسته : يَتَكَلَّمُونَ فِيمَا يَنْفَعُهُمْ فِي الْآخِرَةِ ، خدایا ! اَلْحِقْنِي بِعِبَادِكَ الَّذِينَ هُمْ بِالْبَدَارِ إِلَيْكَ يُسَارِعُونَ وَ بِأَبِكِ عَلَى الدَّوَامِ يَطْرُقُونَ وَ إِيَّاكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَقْضُونَ وَ عَنْ كُلِّ مَنْ سِوَاكَ آيِسُونَ مَبْعُدُونَ .

که در این هنگام سید جواد عاملی وارد شده پریشان حال و این سید جواد عاملی غیر از سید جواد عاملی صاحب «مفتاح الكرامه» استاد شیخ صاحب جواهر است بالجمله شیخ حسین سؤال کرد از سید جواد از جهت پریشانی حال ، در جواب گفت : من سی شاهی به فلان شخص مقروضم (بدهکارم) الآن من را در بازار دید به من سختی نموده ، و جدّاً مطالبه نموده ، و من مکرراً از او قرض می کردم ، ولم یکن عادته ذلک ، جناب شیخ فرمود : سیدنا حوّلهُ إلیّ ، یعنی طلبکار خود را حواله من کن ! حاضرین فقر شیخ را می دانستند که اطاقش نصف حصیر خرمایی و نصف دیگر زمین است . عرض کردند : لا شَيْخَنَا حَوَّلَهُ إلی صرّافِ الْيَهُودِيّ ؛ شما که پول نداری بدهی پس حواله او را به صرّافِ يَهُودِيّ بده که اَقْلا پول داشته باشد . شیخ از این تعریض متغیّر شده فرمود : لا بل احوّله إلی صرّافِ الْحَقِيقِيّ ، هذا امیرالمؤمنین ، و اشاره به ضریح مطهر کرده ، به کمال تشدّد فرمود : یا الله ! سیدنا برو از امیرالمؤمنین پول خود را بگیر ! من به حضرت حواله دادم . سید برخاست و از در رواق مُطَهَّر داخل شده چون مشغول به اذن دخول خواستن شد ، شخصی دست به شانه او گذارده ، او را عقب کشید ، سی شاه مطابق قرض سیّد بدون کم و زیاد

، به سید داد . سید مراجعت نموده ، هنوز مجلس متفرق نشده ، گفت : شیخنا
حواله شما را حضرت ادا فرمودند . شیخ فرمود : نگفتم او را حواله به
امیرالمؤمنین می دهم . «⁽⁷⁵⁾

وصیت شیخ انصاری در مرض موت به شاگردان خود

کلام با اهل علم و علما است ، در باب اهتمام به تذکر حال اموات و توسل به ارواح مطهرات اولیاء و علماء و صلحاء . روزی در نجف اشرف از منزل خود بیرون آمدم به جهت درس . قُرب خانه که منزل داشتم ، مقبره فاضل جواد ملاً کتاب بود که صاحب شرح بر روضه است و فرزند جلیل شیخ حسین نجفی است ، والد و ولد از اکابر علما و اعظام فقها و معاریف عبّاد و زُهاد نجف اشرف بودند . و من ایستادم بر در مَفْجَرَه که رو به کوچه است که فاتحه بخوانم و بروم درس . شیخ ابرقوئی از مجاورین نجف در همسایگی ما بود ، گمان کرد که من ایستادم ، معطل سقا هستم که آب بخرم . گفت : معطل آب هستی ؟ گفتم : نه ! می خواهم فاتحه بخوانم و بروم درس . گفت : من یک واقع دارم از این فاتحه خواندن ، خوب است به جهت تو بگویم ، و همراه من شد .

گفت : وقتی که مرحوم شیخ ، استاد آیه الله الباری الشیخ مرتضی الانصاری ، مریض شد به همان مرضی که از او مرحوم شدند ، ایشان را بردند در یکی از باغ های سهله به جهت تغییر آب و هوا ، و من در مسجد کوفه بودم دیدم همین سرکار میرزای رشتی ، که تو درسش می روی مراد آیه الله دهکردی است آن وقت او را «میرزا حبیب الله» می گفتند ، در سنّ شباب بود و بسیار جمیل و با وجاهت بود ، آمد با آقا حسن طهرانی و حاجی میرزا ابوالقاسم ، صاحب تقریرات ، وارد مسجد شدند و هر یک دو رکعت نماز تحیت مسجد خواندند و بیرون رفتند ، من فهمیدم عیادت شیخ می روند ، من هم همراه آنها رفتم تا رسیدیم درب باغی که مرحوم شیخ آنجا بودند ، حضرات ایستادند ، ملاً رحمت الله که مواظب خدمات شیخ رحمته بود رفت استیذان نماید ، مرحوم شیخ در اوّل

باغ زیر درخت انجیری رختخواب ایشان را انداخته ، مراجعت نمود و با اذن دخول ، حضرات تشریف بردند خدمت شیخ . من چون اوایل تحصیل بود در عداد آنها شمرده نمی شدم ، خود را مشمول اذن ندانسته درب باغ ایستادم ، چون درب باغ از آن درهایی بود که خلال چوب های او فرجه بسیار داشت ، من دیدم شیخ نشسته در رختخواب تکیه داده ، نماز جعفر طیار را می خواندند بلی عادت آن بزرگوار این بود که نماز جعفر طیار و زیارت عاشورا را ترک نمی کردند ، و در زهد و عبادت ضرب المثل بودند حتی آن که می گفتند روزی شیخ کبیر ، صاحب جواهر الکلام ، در صحن مطهر رسید به همین شیخ ، استاد عطر الله مضجعهما فرمود : شَيِّنُوا هَذِهِ الْعِبَادَاتِ الْعَوَامِيَةَ كُلَّ يَوْمٍ تَعْمَلُ عَاشُورَاءَ رَوْحِ اشْتِغَالٍ ؛ یعنی اشتغال به تحصیل برای علما اهم است از بعضی اعمال

مستحبه به خصوص آن که مجاور مشاهد باشد و روزی چند دفعه به زیارت مشرف شود بالجمله گفت : شیخ توجهی به جانب درب باغ فرمودند ، دیدند من آنجا ایستاده ام . به ملا رحمت الله فرمودند : کسی درب باغ ایستاده بگو داخل شود . من هم داخل شدم . آقا حسن (طهرانی) یک طرف شیخ نشسته و شیخ پای مبارک خود را در دامن حاجی میرزا حبیب الله گذاشتند و فرمودند : پای من را بمال ! من ملاحظه کردم دیدم لحاف شیخ چیت کرباس بروجرد است یک وصله هم دارد دُوشک [تشک] او هم کرباس است و یک وصله هم او دارد ، و متکای شیخ هم کرباس چیت بروجردی بود و حشو او لیف خرما بود .

خلاصه شیخ به حضرات فرمودند : اشکال صلوه حول کعبه را دفع نمودید ؟ و محلّ درس شیخ آن وقت این مسأله بود . حضرات جواب می گفتند . من دیدم با این که أعرف تلامذه شیخ به فهم و فضل آن حسن طهرانی بود ، عمده نظر شیخ به حاجی میرزا حبیب الله است ، بعد فرمودند به آنها که این طریق

تحصیل نیست ، وصیت می کنم شما را که (اولاً) یک آشنایی با خدا پیدا کنید و (ثانیاً) درست تحصیل نمایید و کار کنید و (ثالثاً) به قبور علما که می رسید فاتحه نخوانده نگذیرید ، فاتحه به جهت آنها بخوانید و از ارواح آنها استمداد کنید به جهت توفیق و حصول علم خیلی نافع است . «⁽⁷⁶⁾

پی نوشت ها

57 غرر الحکم ، فصل هفتاد و هفتم ، ص 625 .

58

فصلت 41 ، آیه 53 .

59 منبر الوسيله ، ج اول ، وسیله دوم ، ص 112 .

60 المسلسلات ، ج 2 ، ص 33 . قابل ذکر است که این زندگی نامه خودنویس آیه الله دهکردی که به درخواست آیه الله مرعشی نجفی نوشته اند در مقدمه جلد اول منبر الوسيله ، آمده است .

61 بحار الانوار ، ج 67 ، کتاب الایمان و الکفر ، باب 2 ، ح 4 ، ص 74 .

62 مرحوم سید بحر العلوم میردامادی (1345 1411 ه . ق .) عالم عامل ، فقیه کامل ، عارف زاهد ، در علم و عمل و تقوا و اخلاق و ملکات فاضله ممتاز بین اقران بود ، ایشان از شاگردان آیات عظام و مراجع تقلید آیه الله العظمی بروجردی ، آیه الله العظمی امام خمینی ، آیه الله العظمی علامه طباطبایی ، آیه الله العظمی مرعشی نجفی و غیره می باشند . عمر شریف ایشان در تحصیل علم و ارشاد و هدایت و رسیدگی به امور اجتماعی مردم و رفع مشکلات آنان و ترویج دین از راه تبلیغ علمی و عملی صرف گردید . سرانجام این استاد عزیز و عالم ربانی در بامداد روز یکشنبه 15 ربیع الثانی 1411 هجری قمری به ملکوت اعلا پیوست رحمه الله علیه (یادنامه آیه الله میردامادی ، صص 3640) .

63 و 2 نقل از منبر الوسيله ، نسخه خطی ، جلد دوم ، بحث امامت و معارف .

65 این کتاب ، در بردارنده انظار عرفانی ، فلسفی و اعتقادی است . نویسنده محترم فارسی و

عربی را

به هم آمیخته و نظرات بدیعی در برخی موارد ابراز داشته است؛ با آوردن حکایت و شعر و موعظه (و ذکر مصائب ائمه اطهار) ، از صعوبت مطالب ، کاسته است . (مجله حوزه ، ش 65 ، ص 82) شایان ذکر است جلد اول منبر الوسيله که در حدود صد سال قبل چاپ سنگی شده بود و شامل

بحث توحید و عدل می باشد ، به سبک جدید با تحقیق منابع و مقدمه ای در شرح حال مؤلف به قلم نگارنده از طرف انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم چاپ گردید و جلد دوّم این کتاب که شامل بحث نبوت و امامت و معاد و معارف اسلامی است برای اولین بار چاپ خواهد شد .

66 منبر الوسيله ، جلد اوّل ، صص 49 50 .

67 در آخر منبر الوسيله ، جلد اوّل ، صص 558 560 . آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی وصیّت نامه ای عربی دارند که حاوی دستورالعمل های مفید است که اینک ترجمه فارسی آن ذکر می گردد .

68 ترجمه این دستورالعمل که به عنوان وصیّت نامه ایشان در آخر کتاب منبر الوسيله ، ج اوّل ، صص 558 560 آمده است از مجله حوزه ، شماره 65 ، نقل شد .

69 میرابوالقاسم فندرسکی ، حکیم و فیلسوف عالی قدر از مفاخر دانشمندان ایران و اسلام در حکمت طبیعی و الهی و ریاضی و جمیع علوم عقلیه ماهر و استاد بوده ، در سال 1050 در اصفهان وفات یافتند و در تکیه ای که اکنون به تکیه میر می باشد در تخت فولاد اصفهان مدفونند . (تذکره القبور ، ص 95)

70 مسعودبن عبدالله انصاری بیضاوی فارسی ، معروف به بابارکن الدین ، از فضلا و عُرفاست و مرحوم حاجی کرباسی رحمته الله اعتماد کافی به او داشته مخصوصاً به زیارت او می رفته و آخوند ملاّمحمد تقی مجلسی و شیخ بهائی هم اظهار جلالت شأن از او نموده اند . (تذکره القبور ، گزی ، ص 43) .

71 منبر الوسيله ، ج 1 ، صص 341 342 .

72 شیخ ابوعلی حائری در باره سید بحرالعلوم می نویسد : سید سند و رکن معتمد مولانا سید مهدی بن سید مرتضی بن سید محمدحسن حسینی طباطبایی نجفی اَطال الله بقاه و ادام علوه و نعماه پیشوایی است که روزگار به مثلش ندیده و بزرگواری است که مادر دهر از آوردن مانندش عقیم است (زندگانی وحید بهبهانی ، ص 175) .

73 منبر الوسيله ، ج 1 ، صص 266 269 .

74 منبر الوسيله ، ج 1 ، صص 270 271 .

75 منبر الوسيله ، ج 1 ، صص 272 273 .

76 منبر الوسيله ، ج 1 ، صص 528 529 .

فصل چهارم

کلام صاحب أعيان الشيعة سيد محسن أمين

«السيد أبو القاسم الدهكردى نزيل أصفهان ، توفى فى شوال سنة 1353 ، كان عالماً جامعاً عارفاً مرجعاً فى الشرعيات ، له تأليفات ، منها : 1 الوسيله فى السير و السلوك 2 حاشيه على متاجر الشيخ مرتضى الانصارى . يروى عن الشيخ زين العابدين المازندراني الحائرى والميرزا حسين نورى و ميرزا (محمد) حسن نجفى و يروى عنه جماعه منهم السيد شهاب الدين الحسينى النجفى المرعشى النسابة المعاصر نزيل قم .»⁽⁷⁷⁾

کلام صاحب ريحانه الادب مدرّس تبريزى

«از اکابر اماميه عصر حاضر ماست که از تلامذه حاج ميرزا محمد حسن شيرازى و شيخ زين العابدين مازندراني و حاج ميرزا حسين نورى بوده از تأليفات اوست : حاشيه تفسير صافى ; حاشيه وافى ; و الوسيله ، در سير و سلوک ; رساله اى در قبض . و از مشايخ روايت آقانجفى مرعشى مى باشند .»⁽⁷⁸⁾

کلام مرجع عالی قدر آيه الله العظمى مرعشى نجفى رحمته الله

«فَأَلْقَيْتُهُ فَوْقَ مَا كُنْتُ أَسْمَعُ مِنْ فُضَائِلِهِ وَ مُحَامَدِهِ عِلْمًا وَ عَمَلًا ، وَ كَانَ مِنَ الَّذِينَ تَذَكَّرُكَ رُؤْيَتُهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ ، صَائِمًا قَائِمًا مُتَهَجِّدًا نَاسِكًا مُتَبَتِّلًا مُرْتَلًا سَالِكًا سَامِرًا زَاهِدًا»⁽⁷⁹⁾ ; يافتم او را بالاتر از آنچه شنیده بودم از فضائل و محامدش از جهت علم و عمل ، (آيه الله دهكردى) از كسانى بود كه ديدن او انسان را به ياد

آخرت می انداخت ، همیشه روزه دار و اهل تهجد و عبادت بود و انسان سالک و زاهدی بود .

کلام حضرت آیه الله مشکوه رحمته

«حوزه اصفهان ، افراد نابغه و ملاً خیلی داشت؛ دارالعلم بود . آقایان مراجع : سید ابوالقاسم دهکردی ، سید محمد باقر دُرچه ای و سید مهدی درچه ای در رأس حوزه بودند .»⁽⁸⁰⁾

زندگی نامه خودنوشت آیه الله العظمی دهکردی رحمته

مقدمه عرض می کنم که دو زندگی نامه به قلم ایشان موجود می باشد که هر دو زندگی نامه مشتمل بر فوائد سودمندی است : یکی را به تقاضای آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمته در 24 صفر الخیر سال 1347 قمری نوشته اند ، که ما در مقدمه جلد اول منبر الوسيله تمام این زندگی نامه را نقل کردیم؛⁽⁸¹⁾ و دیگری را به خواهش استاد معظم و مورخ محقق دانشمند ، مرحوم معلم حبیب آبادی رحمته نوشته اند ، که این زندگی نامه را از کتاب آیه الله چهارسوقی تماماً نقل می نمایم⁽⁸²⁾ :

«السید ابوالقاسم الدهکردی النجفی ، کان مولده فی قصبه دهکرد؛ قاعده چهار محال . و هو علی ما ضبط والده السید الجلیل النبیل السید محمد باقر هکذا : تاریخ تولد نورچشمی از عمر و جان بر خودداری سید ابوالقاسم بین الطلوعین نیم ساعت تخمیناً به طلوع آفتاب یوم شنبه غره شهر رجب المرجب ، آفتاب در حوت ، قمر در حمل ، زحل در جوزا ، مریخ در حوت ، مشتری در میزان ، زهره در دلو ، عطارد در حوت ، غره شهر رجب سنه (1272) هزار و دوپست و هفتاد و دو از هجرت خاتم انبیاء گذشته .

در سن یازده سالگی یا سیزده سالگی به جهت تحصیل در اصفهان در مدرسه صدر آمده ، از بدایت علم عربیت شروع به تلمذ نموده ، بعد از فراغ از مقدمات مشغول فقه و اصول و حکمت شده ، و در سن بیست و پنج سالگی به درجه اجتهاد رسیده ، آساتید او تصدیق اجتهاد او نموده ، ترک تقلید نموده و صلوات گذشته را قضا می نمود .

قرائت فقه و اصول در اصفهان در خدمت عالم أروع أتقی ، میرزا أبوالمعالی ، فرزند ارجمند عالی قدر حاجی محمد ابراهیم کرباسی ، و عالم متبحر حاج شیخ محمد باقر (نجفی) و عالم ممتحن آمیرزا محمد حسن نجفی ، و عالم ألمعی ، آخوند ملا محمد باقر فشارکی . و علم حکمت را غالباً نزد حکیم متأله ، حاجی ملا اسماعیل حکیم ، ساکن در محله درب کوشک که از تلامذه آسید رضی رشتی و آمیرزا حسن آخوند و میرزا حسن ، تلمیذ پدرش حکیم ماهر الهی آخوند ملا علی نوری . و خصوص «اسفار» آخوند ملاصدرا در مدت چهار سال نزد آن حکیم ماهر قرائت کردی و در سن بیست و نه سال متأهل شده و در همان سال به حکم استخاره و اصرار بعضی از اولیاء خدا به عزم عتبه بوسی حضرت شاه اولیاء و امام اتقیا ، امیرالمؤمنین علیه السلام ، به جهت تکمیل تحصیل در سالی که قدغن اکید از سلطان ایران ناصرالدین شاه بود که زوار از ایران حرکت نمایند و حکومت کرمانشاه و تمام آن حدود با حکمران اصفهان ، حضرت والا ، ظل السلطان بود به تقریبی که در رساله «واردات غیبیه» با آنچه از کرامات مشهود شده و آنچه واردات غیبیه معاینه گردیده ذکر نموده ، اگر دسترسی به آن رساله پیدا کنی کنوز مخفیه و اسرارمخبیه در او می یابی .

بالجمله در سنه (1301) هزار و سیصد و یک از اصفهان عازم زیارت ائمه عراق شده ، چندی در بلده طیبه سامره ، که آن زمان نمودج شهر جابلقا و

جابلسا بود ، در خدمت حضرت آیه الله فی الانام ، الحاج میرزا محمد حسن شیرازی تغمده الله برضوانه مشغول تحصیل فقه شدم . و بود اکثر استیناس حقیر در اقتباس معارف و اسرار توحید با عالم ربانی ، حاجی ملافتحعلی سلطان آبادی ، و زین المجاهدین و سراج طریق السالکین و قطب المحدثین ، حاجی میرزا حسین نوری ، که شیخ او هم در معارف و توحید حاجی ملافتحعلی انار الله برهانه بود در ازمنه متمادیه ، و الحق از آن بزرگوار مستفیض شدم روح الله روحهما پس از مدتی به اشاره آن بزرگوار (حاجی ملافتحعلی) به زیارت اربعین مشرف به عتبه بوسی خامس آل کساء علیهم السلام شده و شاهدت فی حرم مولینا اُبی الفضل العباس و فی غیره ما شاهدت مما یدل علی أن طینتی من فاضل طینتهم . و قرأت فی النجف الغری مُده اقامتی مما یقرب سبع سنین علی الشیخ الامام العلامه الحاج میرزا حبیب الله الرشتی و علی علام العلماء المحققین آخوند ملا محمد کاظم الخراسانی روح الله روحهما شطراً وافیاً و حزباً کاملاً من الفقه و أصوله . و کنت شدید الأُنس بالمسجد السهله حتی ورد علیّ فیهِ فیوضات کثیره . و مشایخ اجازه حقیر : سید العلماء المتبحرین آمیرزا محمد هاشم چهارسوقی ، و شیخ العلماء العاملین آمیرزا محمد حسن نجفی ، و قدوه الفقهاء الکاملین آخوند ملا محمد باقر فشارکی ، و علامه العلماء المحققین آخوند ملا محمد کاظم خراسانی ، القاطن فی النجف الغروی ، و عالم ربانی حاجی میرزا حسین نوری ، الساکن فی السامراء ثم فی النجف الاشرف . و بعد از رجوع از نجف اشرف در اصفهان توطن نموده در مدرسه صدر مشغول تدریس فقه و اصول شدم و تاکنون که شصت و دو سال از عمر گذشته به حُسن توفیق الهی موفق به تحصیل علم و تدریس و تصنیف هستم .

در فقه «شرح بر شرایع» نوشتم دو مجلد در بیع است و سطری در طهارت؛ و در اصول فقه یک جلد در «مباحث الفاظ» تصنیف نمودم؛ و کتاب «منبر الوسیله» برَزَ مِنْهُ مُجَلِّدان فی الاصول الخمسه الاعتقادیه؛ و تفسیر بعض آیات قرآنیه؛ و شرح بعض احادیث مشکله؛ و «رساله در لمعات فی شرح دعاء السمات»؛ و کتاب «الفوائد» مجموعه پر فایده است؛ و کتاب «ذخیره» در ادعیه و ختومات مجربّه؛ و رساله «واردات غیبیه» که مسمی شده به «بشارات السالکین» در احوالات خود این حقیر است و فیها الكنوز المخبیه؛ و رساله «جنّه المأوی» در علم اخلاق؛ و «حاشیه بر نُخبه»، رساله عملیه حاجی کرباسی؛ و «حاشیه بر جامع عباسی»؛ و «رساله عملیه» .

فعلا از خدا طلب می کنم که موفق شدم به اتمام شرح فارسی مجلسی تقی بر «من لایحضره الفقیه» شیخ صدوق، که تا کتاب قضا نوشته، و من از کتاب قضا شروع نمودم به اتمام او برحسب خواهش بعضی .

و از اصحاب مباحثه حقیر از برکت امام عصر ارواحنا له الفداء جمع کثیری به درجه علم و تقوا و اجتهاد رسیده و از حقیر مجاز شده و در سایر اصقاع و بلاد مشغول ترویج شریعت مقدسه و تدریس هستند .

و از طرفه وقایع که دوست داشتم نقل کنم و آن این است که بعد از این که مرحوم خلد مقام والد ماجد، به اذن مرحوم فردوس و سّاده، حاجی کرباسی اعلی الله مقامه بنای عقد والده ماجده ام گذاشته که زن صالحه عقیفه و متهجّده و با سخاوت طبع و با برکت و صله ارحام خیلی می نموده و بنت عالم جلیل آخوند ملا محمد ابراهیم دهکردی بود. ⁽⁸³⁾ حاجی کرباسی دو نفر یا سه نفر از وجوه تلامذه خود را به جهت اخذ اذن و اقرار به دهکرد فرستاد که علی الظاهر مرحوم آسید حسین خراسانی که در مسجد جارچی امام جماعت بوده و مرحوم

آسید شفیع شوشتری که از اجله علما بوده و مرحوم شیخ جعفر خراسانی که اینها از رفقای مرحوم والد هم بودند بعد از مراجعت و تحصیل اذن ، خود مرحوم حاجی کرباسی صیغه نکاح ما (را) جاری فرموده و در سجل قباله به خط شریف خود مرقوم فرموده و به خاتم منیف مزین فرموده که من خودم به رأی العین دیدم آن قباله شریفه را : (بسم الله الرحمن الرحيم : أسأل الله تعالى البرکه و کثره النسل والاولاد الصالح) .

و از تأثیر نفس قدسی سمات آن بزرگوار برکت در خانواده ماها مشهود است و کثرت نسل موجود است . مادرم از دنیا رفت غیر از اولادهای متوفای او ، چهل و دو نفر از اولادهای بطنی خود از اولاد بلاواسطه و نواده و نتیجه های خود را دید و همه موجود بودند . واقعاً کوثر بود ، و الآن که محرم سنه 1335 است و از عمر من شصت و دو سال و شش ماه می گذرد شصت و یک نفر از صُلب پدر و بطن مادرم بلاواسطه و مع الواسطه موجودند : (فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ) . و همه اولادهای پدرم ، عالم و صالح و متقی هستند به جز این أحقر که از صلحا نیستم و لکن صلحا را دوست می دارم و ان شاء الله تعالی با آنها محشور می شوم : لما قد صحَّ عن النبي ﷺ و أهل بيت العصمة أن مَنْ أَحَبَّ شَيْئاً حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ .

و أما نسب این حقیر به مقتضای تذکره ای که داریم منتهی می شود به عبدالله بن السید السجاد زین العابدین الامام الهمام علی بن الحسین بن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام .

و ما كَتَبْتُ هَذِهِ الْعِجَالَةَ إِلَّا اجابَهُ لِمَسْئُولٍ بَعْضُ اخواننا الصُّلحاء الاتقياء ، و هو الصالح التقى ، المَهْدَبُ الزكِيُّ الرَضِيُّ ، آقا محمد علی البرخواری بلغه الله الى أقصى المدارج و الامانى .

کتبه بيمناه الدائرہ أحوج المرئوبين الى خالق البريه أبو القاسم الحسيني
الدهكردي النجفي في ظهيره يوم الاربعاء ، الثاني و العشرين من شهر ربّي من
شهور سنه 1335 خمس و ثلاثين و ثلاث مائة بعد الالف الهجريه على هاجرها
الف آلاف التحيه . والسلام على عباد الله الصالحين . (84) محل مهر ابوالقاسم
الحسيني (الدهكردي)

بي نوشت ها

77 اعيان الشيعه ، ج 2 ، ص 417 .

78 ريحانه الادب ، ج 2 ، ص 244 .

79

المسلسلات ، ج 2 ، ص 33 .

80 مجله حوزه ، ش 31 ، ص 47 .

81 اصل اين زندگي نامه در كتاب المسلسلات في الاجازات ، ج 2 ، ص 33 به بعد ، مذكور است

82 زندگي آيه الله چهارسوقي ، تأليف دانشمند محقق سيد محمدعلي روضاتي ، صص 191196 .

83 شرح حال اين عالم جليل القدر و فرزندان نشان در فصل خاندان ايشان ذكر مي گردد .

84 نقل از كتاب زندگاني آيه الله چهارسوقي ، صص 191196 .

فصل پنجم

کلام آیه الله العظمیٰ مرعشی رحمته در وفيات الاعلام

آیه الله العظمیٰ مرعشی نجفی در این باره می نویسد :

«توفی حجه الاسلام ، الورع التقی ، الحاج السید ابوالقاسم الموسوی الدهکردی نزیل اصفهان ، شهر شوال ، سنه 1353 ، ببلده اصفهان ، و كان يوم وفاته مشهوداً و أقيمت له المآتم و سائر البلاد منها بلده قم المشرفه و عطلت الأسواق بأصفهان و كان مُقلِّداً أيضاً ، و هو من مشايخنا في الروايه ، اجتمعت به بقم المشرفه و باصفهان . و قبره خارج اصفهان بقريه «أرزنان» التي بها قبر منسوب الى زينب الامام الكاظم عليه السلام .»⁽⁸⁵⁾

کلام آیه الله العظمیٰ مرعشی رحمته در وفيات الاعلام

آیه الله العظمیٰ مرعشی نجفی در این باره می نویسد :

«توفی حجه الاسلام ، الورع التقی ، الحاج السید ابوالقاسم الموسوی الدهکردی نزیل اصفهان ، شهر شوال ، سنه 1353 ، ببلده اصفهان ، و كان يوم وفاته مشهوداً و أقيمت له المآتم و سائر البلاد منها بلده قم المشرفه و عطلت الأسواق بأصفهان و كان مُقلِّداً أيضاً ، و هو من مشايخنا في الروايه ، اجتمعت به بقم المشرفه و باصفهان . و قبره خارج اصفهان بقريه «أرزنان» التي بها قبر منسوب الى زينب الامام الكاظم عليه السلام .»⁽⁸⁶⁾

شعر آیه الله امامی نجفی⁽⁸⁷⁾ در رثاء آیه الله دهکردی

آن که بُد مدهوش لطفش عقل و هوش تا چه بشنید او که ناگه شد خموش

آن که همچون شمع ، نور جمع بود نوربخش رهروان چون شمع بود

از دم اطف السراح بوالحسن	گشت خامش همچو شمع اندر لگن
شد جماعت بی امام اندر نماز	گشت خامش شمع جمع اهل راز
ای دریغا گشت پنهان در زمین	آن امام و پیشوای اهل دین
لیک جانش برتر از افلاک شد	نی غلط گفتم تنش در خاک شد
گشت آزاد و شد او با قدسیان	از قفس آن مرغ قُدس آشیان
خاکیان در ماتمش گریان همه	قدسیان از مقدمش شادان همه
مُنقلب کرد این جهان و آن جهان	از مکان چون رفت اندر لامکان
آن جهان شد مظهر یوم النشور	این جهان شد آیتی از نفخ صور
قُدسیان در رقص بال و پر فشان	خاکیان بر سینه و بر سر زنان
قدسیان در شورش و شوق و شعف	خاکیان در داده بانگ و اَسف
قدسیان خندان که این اولی شدند	خاکیان گریان که بی مولا شدند
شد عزیز مصر و بر کرسی نشست	یوسفی از چاه و زندانی برست
روز روشن چون شب دیجور شد	آفتابی از جهان مستور شد
آفتاب علم چون شد در حجاب	منخسف مه منکسف شد آفتاب

گشت ویران مسجد و هم مدرسه در هزار و سیصد و پنجاه و سه

پی نوشت ها

- 85 آیه الله دهکردی رحمته الله علیه از علمایی بود که زیارتگاه زینبیه مورد تأییدشان بوده و بنا بر وصیت خودشان در آنجا دفن شدند ، زیرا به ایشان گفته بودند که شما را در تخت فولاد دفن کنیم ؟ ایشان فرموده بودند : در تخت فولاد ، ولو علما و صلحا هستند ولی حکم نُقره را دارند ، من را در زینبیه دفن کنید که منسوب به اهل بیت هستند و حکم طلا دارند .
- 86 المسلسلات فی الاجازات ، ج 2 ، ص 32 ، به نقل از وفيات الأعلام .
- 87 شرح حال ایشان که برادر زاده آیه الله دهکردی می باشند در خاندان آیه الله دهکردی ذکر می شود .

88 شناخت سرزمین چهارمحال ، ج 2 ، صص 2021 .

فصل ششم

شرح حال آخوند ملا محمد ابراهیم دهکردی (جدّاعلای نگارنده)

ایشان جدّ مادری سید ابوالقاسم دهکردی می باشد . پدر ایشان ملا علی اکبر و جدّشان ملا علی جان ، هر دو اهل علم و تقوا بوده اند . چنانچه خود در عبرت نامه که در سال 1275 قمری نوشته اند ، آبا و اجداد و اسلاف ایشان از اهالی گیلان بوده اند .⁽⁸⁹⁾ به هر حال آخوند ملا محمد ابراهیم از شاگردان سید حجه الاسلام علی الاطلاق آیه الله العظمی محمد باقر شفتی رحمته الله است . وی در اصفهان اشتغال به تحصیل داشته و به درجه اجتهاد رسید . ایشان در مسجد محلّه نو اقامه جماعت می نموده و به نشر احکام و اصلاح امور مردم اهتمام تمام داشته است به طوری که آیه الله میر سید حسن مدرس (استاد میرزای شیرازی) در باره ایشان فرمود : محلّه ما از برکت وجود آن نور چشم ، گلستان شده است .⁽⁹⁰⁾

ایشان پس از سالها اقامت در اصفهان ، به درخواست اهالی شهر کرد از سید حجه الاسلام شفتی ، برای اعزام آخوند ملا محمد ابراهیم به آن دیار ، پس از سفارش حجه الاسلام شفتی عازم شهر کرد می شوند و به اقامه نماز جمعه و جماعت و حلّ و فصل مشکلات مردم می پردازند و با اجازه اجتهادی که از سید حجه الاسلام شفتی داشته به عنوان حاکم شرع چهارمحال احکام شرعی را اجرا می کردند . سید حجه الاسلام در نامه ای به رؤسای چهارمحال و بختیاری درباره ملا محمد ابراهیم چنین نوشته اند : «عالی جناب مقدس القاب ، محامد صفات ، محاسن اخلاق ، فضائل مآب ، آخوند ملا محمد ابراهیم که از معتمدین علما است روانه آن حدود نموده باشیم و جمعی کثیر از اهالی مدتی معطل بودند

با آن که وجود عالی جناب معظم له در اصفهان بسیار بسیار ضروری بود ، به جهت اجابت مسلمانان ، راضی شدیم به تشریف آوردن ایشان به آن حدود . . . و نظر به این که عالی جناب معظم له از معتمدین علما می باشند البته البته کمال احترام از ایشان منظور داشته ، شما و اهالی آنجا به نماز جماعت ایشان منتفع شوید . »

حرره خادم الشریعه ، فی الواحد و العشرین من ذیحجه الحرام 1264 قمری .
(91) ایشان نماز را در مسجد قدیمی اتابکان جنب امامزاده حکیمه و حلیمه خاتون (علیها السلام) ، که هم اکنون نیز موجود است اقامه می کردند . آخوند ملا محمد ابراهیم در تمام عمر با مساعدت آیه الله سید محمدباقر دهکردی داماد خود و پدر سید ابوالقاسم دهکردی ، امورات مردم شهرکرد را با نهایت درایت انجام می دادند و در تمام مراحل زندگی یار و یاور یکدیگر بودند .

در «مکارم الآثار» می نویسد :

«به هر حال مرحوم سید ابوالقاسم صاحب عنوان ، از اعظم علما و فقهای اصفهان بود از دختر ملا محمد ابراهیم

دهکردی که مانند سید محمد باقر پدر خودش هر دو از علمای دهکرد بودند
(92) شرح حال آخوند ملا محمد حسن دهکردی (93) (جد نگارنده)

ایشان دایی و پدر زن آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی می باشند . وی پسر بزرگ آخوند ملا محمد ابراهیم مذکور می باشد . در باره آخوند ملا محمد حسن دهکردی در کتاب «بستان السیاحه» نوشته :

«وی یکی از عرفا و صاحب مقامات معنوی و کرامات بسیار و از شاگردان برجسته و باذکاوت و مبرز و مقرب آخوند حاج ملا هادی سبزواری رحمته الله علیه می

باشند که مدت هفت سال از محضر ایشان استفاده کرده اند و حاجی سبزواری
ایشان را ملقب به «سکوت» نموده است .⁽⁹⁴⁾

آخوند ملا محمد حسن دهکردی اصفهانی ، از فلاسفه و حکما و عرفای قرن
سیزدهم هجری به شمار می آیند . ایشان ساکن اصفهان بوده و محضرشان مجمع
عرفا و فضلا بوده است و شاگردانی را تربیت نمودند که از آن جمله آیه الله
حاج آقا رحیم ارباب را می توان نام برد .⁽⁹⁵⁾

عالم ربانی آقا یوسف آل ابراهیم

فرزند آخوند ملا محمد حسن دهکردی رحمته الله

آخوند ملا محمد حسن در حُسن سیرت و سلوک چنان بود که هیچ گاه کسی
را از خود نرنجانید . بارها می فرمود : عارف کسی است که مردم را بشناسد و
مرهم گذار دل های درمندان باشد .

در حالات ایشان نقل شده : گاهی اوقات با خود خلوت می کرد و گریه می
نمود و چهل روز روزه می گرفت در پایان چهل روز ، اشک می ریخت و می
گفت : خدایا ! مرا بیامرزد و از وحشت دنیا رهایم ساز و با آخرت مأنوسم نما تا
روزه خود را بگشایم . ایشان پس از رحلت پدر خود آخوند ملا محمد ابراهیم
دهکردی مدتی در شهرکرد در مسجد اتابکان اقامه جماعت نمود و سپس به
عزلت و انزوا پرداخت و اغلب اوقات را کنار چشمه آبی در کوه باباولی شهرکرد
که منزلگاه یکی از عباد و زهاد قرن هفتم بوده به سر می برد ، لذا مشهور به
کوهی شدند⁽⁹⁶⁾ ، چنانچه در کتاب تاریخ عرفا و حکما در جمله شاگردان حاجی
سبزواری می نویسد : آخوند ملا محمد حسن اصفهانی شهیر به کوهی ، خال
(دایی) آقا سید ابوالقاسم دهکردی صاحب وسیله⁽⁹⁷⁾ سرانجام این عالم
ربانی و عارف الهی و حکیم صمدانی در سال 1309 قمری دار فانی را وداع

کرد و هم اکنون تربت پاکش در شهر کرد محلّ زیارت مؤمنین است .⁽⁹⁸⁾ بر روی سنگ قبر ایشان نوشته شده :

«هوالباقی ، قد ارتحل العارفُ العالمُ الربانی ، الحکیم المتألّه الصمدانی ، صاحب المقامات الانسانیه ، و النفس القدسیه الملكوتیه ، مولانا محمّد حسن الشهیر بأقازاده»

شرح حال آخوند ملاّ محمّد حسین دهکردی

ایشان فرزند دوّم آخوند ملاّ محمّد ابراهیم می باشند . وی از علما و بزرگان و مجتهدین و از زُهاد و عُباد زمان خود بوده و سال ها در حوزه علمیه اصفهان و نجف تحصیل فقه و اصول حکمت نمود ، و سپس برای ارشاد و تبلیغ و اقامه جماعت به زادگاه خویش شهرکرد مراجعت نمودند . وی عالمی بود با عزّت و فضیلت ، و فاضلی با کرامت و خوش صُحبت ، به علم و ورع معروف ، و به صفات حمیده موصوف . وی در سال 1323 قمری رحلت نموده و در جوار برادرشان آخوند ملاّ محمّد حسن دفن شدند .

مرحوم آیه الله آقا ابراهیم آل ابراهیم فرزند آخوند ملا محمد حسین دهکردی

از آخوند ملاّ محمّد حسین دو پسر باقی ماند : آقا ابراهیم و آقا جلال الدین ، که هر دو اهل علم و فضیلت و مشغول به تحصیل در حوزه های ایران و نجف اشرف بوده اند و مجاز به اجتهاد از بزرگانی چون آخوند خراسانی و سید محمّد کاظم یزدی بوده اند .⁽⁹⁹⁾

شهید آیه الله آقا جلال الدین دهکردی

فرزند آخوند ملا محمد حسین دهکردی رحمتهما

شرح حال شهید آیه الله آقا جلال الدین بت شکن رحمتهما

شهید آقا جلال الدین از شاگردان آخوند خراسانی رحمته الله علیه می باشند. ایشان مدت هیجده سال در نجف اشرف اقامت داشته اند. وی در جهت اهداف و اوامر استاد خود، آخوند خراسانی، برای استقرار مشروطه و مبارزه با استبداد فعالیت داشت و به همین منظور در سال 1294 شمسی از نجف به شهرکرد مراجعت نمود، و با شهادت و شجاعت به ارشاد و وعظ و مخالفت با خوانین و زورگویان پرداخت. وی دادخواه مظلومان و بینوایان بود تا این که فرمانروایان ظالم، کینه و دشمنی او را به دل گرفتند. سرانجام با کذب و دروغ و پخش شایعه مبنی بر این که آقا جلال الدین آسامی جوانان را به اداره نظام وظیفه داده و می خواهد جوانان را به سربازی بفرستد، عده ای ساده لوح بی خرد و بی خبر را تحریک کردند تا در خانه ایشان تجمع کنند و در آن میان چند نفر معین از طرف اربابان ستمگر به خانه ایشان حمله بردند و در خانه را شکستند و آن عالم مجاهد را از خانه بیرون کشیدند و در برف و باران کشان کشان به مسجد خان (جامع فعلی شهرکرد) برده، در خانه خدا (مسجد) او را به طور غریبانه به شهادت رساندند. این واقعه جانسوز در صبح روز شانزدهم رجب سال 1306 شمسی واقع شد. ⁽¹⁰⁰⁾

شهید آیه الله آقا جلال الدین بت شکن را در کنار قبر جدّ خود، آخوند ملاّ محمد ابراهیم دهکردی، در جوار امامزاده حلیمه و حکیمه خاتون، دفن کردند.

(101)

شرح حال برادران و برادر زاده های آیه الله دهکردی

مقدمه

آیه الله دهکردی دارای چهار برادر عالم و روحانی بوده اند که همه اهل تقوا و فضیلت می باشند که اجمالاً به شرح حال این عزیزان می پردازیم :

1 آیه الله سید محمد جواد دهکردی (1265 1310 ه . ق .)

وی در اصفهان نزد اساتید بزرگواری چون میرزا محمد هاشم چهارسوقی و میرزا محمد باقر روضاتی ، صاحب «روضات الجنات» ، میرزا محمد حسن نجفی ، ملا محمد باقر فشارکی تحصیل کرد و از آنان اجازه اجتهاد دریافت نمودند .⁽¹⁰²⁾ آخوند ملا محمد کاشانی معروف به آخوند کاشی درباره سید محمد جواد دهکردی فرموده اند :

«من در عمرم چهار سید خیلی خوب دیده ام یکی از آنها سید محمد جواد دهکردی بود .»⁽¹⁰³⁾

حاج آقا جواد نجفی و حجه الاسلام و المسلمین حاج آقا جعفر امامی سید محمد جواد دهکردی سال ها به عبادت و شب زنده داری پرداخت . با مردم به نرمی و ملایمت و رأفت و عطوفت رفتار می نمود و مورد احترام و علاقه وافر مردم بود ، به طوری که وقتی در سال 1310 قمری در سن 45 سالگی رحلت نمود مردم تا مدت ها حالت تأثر و گریه و عزا داشتند . پس از سه سال پیکر آن مرحوم را بنابه وصیتش به نجف اشرف منتقل نمودند و با شرکت علما و فضیلابی نجف با عزت و احترام در صحن مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به خاک سپردند .⁽¹⁰⁴⁾

از سید محمد جواد دهکردی دو پسر به نام سید محمد باقر امامی⁽¹⁰⁵⁾ و سید محمد جواد⁽¹⁰⁶⁾ باقی ماند. هر دو برادر با تحصیل در معقول و منقول، نزد بزرگان و علما، از جمله نزد عموی خود، آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی و عالم ربّانی آخوند کاشی و جهانگیرخان قشقایی به درجه اجتهاد نایل آمدند، و سپس به محل خود برگشتند. البته سید محمد جواد نجفی دهکردی بعداً به اصفهان مراجعت نمودند و در آن جا به رحمت حق پیوستند.

2 عالم ربّانی سید محمد دهکردی⁽¹⁰⁷⁾، معروف به سید محمد امام جمعه عالم ربّانی سید محمد دهکردی و آخوند ملا محمد حسین دهکردی رحمتهما علیهما وی از علما و سادات محترم و مردمی، باذکاوت و حسن سلوک و خلق پسندیده بوده، منبر و عظم و خطابه او جذاب و مؤثر بود. وی در عمران و آبادی بناهای خیر اهتمام داشت، از آن جمله است: ساختمان بقعه و صحن امامزادگان حلیمه و حکیمه خاتون از دختران منسوب به موسی بن جعفر علیه السلام. ایشان در سال 1341 قمری وفات

نمودند، و دارای دو فرزند عالم و روحانی به نام سید مرتضی و سید مصطفی بوده اند، شرح حال حاج سید مرتضی معروف به حاج آقا میرزا دهکردی، داماد سید ابوالقاسم دهکردی، در شاگردان ایشان گذشت. اما حاج آقا مصطفی دهکردی بعد از تحصیل در اصفهان، به شهرکرد مراجعت نمودند و به اقامه جماعت و تبلیغ دین تا آخر عُمر یعنی سال 1358 شمسی مشغول بودند.

عالم ربّانی سید مصطفی دهکردی

3 عالم ربّانی آخوند سید محمود دهکردی

عکس آسید محمود دهکردی ص 83

ایشان در علم و عمل و زهد و تقوا سرآمد بوده و آخوند کاشی رحمته ، چنانچه در مکارم الآثار نقل می کند ، درباره سید محمود فرموده اند : «اگر زاهد در اصفهان هست دو نفرند : یکی سید محمود و دیگری سید حسن لبنانی .

«(108)

4 عالم ربانی و عارف صمدانی سید احمد نوربخش دهکردی

تولد ایشان در سال 1286 قمری است . وی عالم و عارف و ادیب و شاعر و مفسر قرآن مجید بوده و در خدمت آخوند کاشی و دایی های خود ، ملا محمد حسن و ملا محمد حسین دهکردی ، و برادر خود ، آقا سید ابوالقاسم ، در اصفهان مدت چهارده سال اشتغال به تحصیل داشته ، سپس به عتبات عالیة رفته و از محضر آخوند خراسانی و سید اسماعیل صدر (علیهما السلام) استفاده نموده . سید احمد دهکردی تألیفاتی در زمینه اخلاق و عرفان دارند . ایشان در سال 1339 به جوار حق شتافتند و در محله درب کوشک اصفهان کوچه باغ حرم ، دفن شدند . (109)

عالم ربانی حاج سید احمد به اتفاق برادر خود آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی رحمته

شرح حال فرزندان آیه الله دهکردی

عالم ربانی آقا حسین دهکردی رحمته الله علیه فرزند آیه الله العظمی دهکردی رحمته الله علیه فرزندان پسر ایشان به نام سید حسین و سید صدرالدین هستند . مرحوم سید حسین ، روحانی و اهل علم بودند ، ایشان در نزد سید ابوالقاسم ، پدر خود ، و سایر مدرسین حوزه اصفهان ، چون شیخ علی مدرس یزدی و شیخ محمد حکیم خراسانی ، تحصیل کردند و پس از فوت پدر در مسجد شیخ الاسلام اقامه نماز جماعت می نمودند و بسیار موجه و مورد اعتماد بوده اند . وی در سن شصت سالگی در سال 1337 شمسی دار فانی را وداع گفته و سپس در جوار پدر خود ، آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی ، در زینبیه اصفهان دفن شدند .⁽¹¹⁰⁾

کلام را در همین جا به پایان می رسانم و از خداوند متعال علو درجات برای همه علمای گذشته مخصوصاً حضرت امام خمینی رحمته الله علیه ، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ، و طول عمر با عزت و عظمت برای مقام معظم رهبری ، حضرت آیه الله خامنه ای دام ظلّه العالی خواستارم .

خداوند سبحان را شاکرم که توفیق تهیه و تدوین این کتاب را که در یادبود عالم ربّانی و فقیه صمدانی آیه الله العظمی دهکردی می باشد به این کمترین عنایت فرموده ، امید است که زندگی این بزرگان الگویی ما و جوانان عزیز قرار گیرد .

آمین یا ربّ العالمین

«والسلام علیکم و علی عباد الله الصالحین»

مجید جلالی

پی نوشت ها

- 89 شناخت سرزمین چهارمحال ، ج 1 ، ص 597 .
- 90 همان ، ص 593 .
- 91 همان ، ص 594 .
- 92 مکارم الآثار ، ج 6 ، ذیل وقایع سال 1272 قمری ، 2010 .
- 93 آخوند ملاّ محمّد حسن ، جدّ پدری بنده می باشند و نسبت ما به سه واسطه (بدر ، پدر بزرگ ، آقاعلی) به ایشان می رسد . به شکر الهی و أنفاس قدسی آن بزرگوار و همچنین پدرشان آخوند ملاّ محمّد ابراهیم ، این جانب و برادرانم اکنون در حوزه علمیه مقدسه قم مشغول تحصیل هستیم . و در جوار حضرت معصومه (علیها السلام) ، ساکن می باشیم و از محضر مراجع و بزرگان دین بهره مند می گردیم .
- 94 شناخت سرزمین چهار محال ، ج 1 ، ص 607 ، نقل از بستان السیاحه .
- 95 پدر بزرگ بنده حاج آقا مهدی جلالی نقل می کردند : روزی با پسرعمه خود ، حضرت آیه الله حاج آقا میرزا دهکردی رحمته الله به خدمت حاج آقا رحیم ارباب رحمته الله رسیدیم . بعد از این که مرحوم حاج آقا رحیم ارباب رحمته الله من را شناختند فرمودند : من پیش جدّ شما آخوند ملاّ محمّد حسن درس خوانده ام .
- 96 شناخت سرزمین چهارمحال ، ج 1 ، ص 607 .
- 97 تاریخ حکما و عرفا متأخر بر صدر المتألهین ، ص 125 .
- 98 محل قبر در شهرکرد ، خیابان شریعتی ، رو به روی کارخانه برق سابق ، کوچه 61 می باشد .
- 99 همان ، صص 617620 .
- 100 شناخت سرزمین چهارمحال ، ج 1 ، ص 617 .
- 101 قابل ذکر است بعد از این واقعه جانسوز جدّ حقیر به پاس احترام این عالم مجاهد و باقی ماندن نام و خاطره او در اذهان و به خاطر نسبتی که با ایشان داشتند و آقا جلال الدین عموزاده شان بودند فامیل خود را جلالی قرار دادند .
- 102 المسلسلات ، ج 2 ، ص 33 .
- 103 شناخت سرزمین چهارمحال ، ج 2 ، ص 115 .
- 104 دانشمندان و بزرگان اصفهان ، ص 244؛ شناخت سرزمین چهارمحال ، ج 2 ، صص 115 .
- 118 .

- 105 فرزند ایشان حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج آقا جعفر امامی (داماد حاج آقا میرزا دهکردی) بعد از فوت حاج آقا میرزا دهکردی، در مسجد سُرخ‌ی به جای ایشان اقامه نماز جماعت و وعظ و خطابه فرموده و به علاوه دارای دفتر ازدواج بودند. ایشان در سال 1369 شمسی رحلت نموده و در جوار امامزاده سید محمد اصفهان دفن شدند.
- 106 محمد جواد چند ماه بعد از فوت پدر به دنیا آمد و لذا نام پدر را بر او نهادند.
- 107 همسر ایشان دختر دایه خود، آخوند ملا محمد حسین دهکردی بوده است چنانچه گذشت آقا سید ابوالقاسم دهکردی هم داماد ملا محمد حسن دهکردی، بوده اند.
- 108 مکارم الآثار، ج 6، 2010.
- 109 تذکره القبور، ص 114، شناخت سرزمین چهارمحال، ج 2، ص 32.
- 110 قابل ذکر است آیه الله دهکردی چند دختر داشته اند که یکی از آنها همسر عالم ربانی آقا یوسف آل ابراهیم فرزند آخوند ملا محمد حسن دهکردی بود و دیگری همسر آیه الله حاج میرزا دهکردی بوده، و سوّمی همسر سید محمد جواد دهکردی عموزاده خود بوده است.

کتابنامه

- 1 . اعیان الشیعه ، سید محسن امین .
- 2 . الاستشفاء بالتربه الحسینیہ ، ابوالمعالی کلباسی .
- 3 . اربعین حدیث ، امام خمینی .
- 4 . الاجازہ الکبیرہ ، آیہ اللہ مرعشی نجفی .
- 5 . بحار الانوار ، علامہ مجلسی .
- 6 . بانوی مجتہدہ ایرانی ، باقری بیدہندی .
- 7 . تذکرہ القبور ، سید مصلح الدین مہدوی .
- 8 . تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ، سید مصلح الدین مہدوی .
- 9 . تاریخ حکما و عرفا ، منوچہر صدوقی سُہا .
- 10 . حقایق الاصول ، آیہ اللہ حکیم .
- 11 . حکم نافذ آقا نجفی ، موسی نجفی .
- 12 . ریحانہ الادب ، مدرس تبریزی .
- 13 . زندگانی آیہ اللہ چہارسوقی ، سید محمد علی روضاتی .
- 14 . شناخت سرزمین چہارمحال ، کریم نیکزاد .
- 15 . غرر الحکم ، آمدی .
- 16 . فوائد الرضویہ ، شیخ عباس قمی .
- 17 .
- 18 . القیسات ، عادل علوی .
- 19 . الکنی و الالقاب ، محدث قمی .

- 20 . گنجینه دانشمندان ، محمد رازی .
- 21 . نهج البلاغه ، سید رضی .
- 22 . نُقباء البشر ، آغابزرگ تهرانی .
- 23 . وحید بهبهانی ، علی دوانی .
- 24 . المسلسلات ، دکتر سید محمود مرعشی .
- 25 . مکارم الآثار ، معلم حبیب آبادی .
- 26 . منبر الوسيله ، آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی .
- 27 . مجله حوزه ، شماره های 31 ، 33 و 65 .
- 28 . مجموعه ارباب معرفت ، تدوین : محمد حسین ریاحی .
- 29 . یادنامه آیه الله سید بحر العلوم میردامادی ، سید مصلح الدین مهدوی .
- 30 . ترتیب اسانید کافی ، جلد اول ، چاپ آستان قدس رضوی .

فهرست مطالب

2	مقدمه
4	فصل اول
4	ولادت
4	پدر و مادر
5	مادر سید ابوالقاسم ، دختر
5	تحصیل
6	اساتید اصفهان
8	هجرت به عتبات عالیات
9	اساتید ایشان در سامرا و نجف اشرف
12	مشایخ اجازه اجتهاد و روایت
15	فصل دوم
15	بازگشت به اصفهان
18	شاگردان و صاحبان اجازه روایت و اجتهاد از ایشان
25	وفات ایشان
27	تألیفات
28	کتاب های فقهی
28	کتاب های اصولی
28	کتاب های تفسیر و حدیث :
29	کتاب های اخلاقی و عرفانی
30	مبارزات
35	فصل سوم

35	تلاش در عبادت و تحصیل ایشان
36	فراست آیه الله دهکردی
36	مرحوم آیه الله بحرالعلوم میردامادی
37	دو رؤیای صالحه در نجف اشرف (نقل از آیه الله دهکردی)
38	دستور العمل عرفانی از فقیه و عارف صمدانی حضرت آیه الله العظمی
40	متن دستور العمل آیه الله دهکردی
44	وصیت میرفندرسکی <small>رحمته الله علیه</small>
46	جریان تشرّف سید بحرالعلوم <small>رحمته الله علیه</small>
49	کرامتی از سید بحرالعلوم <small>رحمته الله علیه</small>
50	کرامتی از عالم ربّانی شیخ حسین نجفی <small>رحمته الله علیه</small>
52	وصیت شیخ انصاری در مرض موت به شاگردان خود
56	فصل چهارم
56	کلام صاحب أعیان الشیعه سید محسن أمین
56	کلام صاحب ریحانه الادب مدرّس تبریزی
56	کلام مرجع عالی قدر آیه الله العظمی مرعشی نجفی <small>رحمته الله علیه</small>
57	کلام حضرت آیه الله مشکوه <small>رحمته الله علیه</small>
57	زندگی نامه خودنوشت آیه الله العظمی دهکردی <small>رحمته الله علیه</small>
63	فصل پنجم
63	کلام آیه الله العظمی مرعشی <small>رحمته الله علیه</small> در وفیات الاعلام
66	فصل ششم
66	شرح حال آخوند ملا محمد ابراهیم دهکردی (جدّاعلی نگارنده)
69	شرح حال آخوند ملا محمد حسین دهکردی
71	شرح حال برادران و برادرزاده های آیه الله دهکردی
74	شرح حال فرزندان آیه الله دهکردی

77.....	کتابنامه
79.....	فهرست مطالب